

یک اعتراف و یک یادداشت



● «سفیر صاحب! این همه جنجال از جانب شماست»
■ «دوسیه خود را بستم و به سرعت مجلس را ترک کردم»

صفحه ۶

نهادهای مدافع خبرنگاران:

نجیب‌الله مسافر فوراً آزاد شود



نهادهای مدافع خبرنگاران، خواستار رهایی بدون قید و شرط نجیب‌الله مسافر عکاس و استاد دانشگاه شده‌اند.

این نهادها، با انتقاد از اداره‌های عدلی و قضایی کشور می‌گویند که چگونگی بررسی پرونده نجیب‌الله مسافر غیر قانونی بوده است.

نجیب‌الله مسافر یکی از عکاسان به نام کشور است که در جریان هفته گذشته، توسط حوزه ششم امنیتی کابل به دلیل فروش یک عکس در سال ۱۳۸۵ خورشیدی، احضار و پس از رفتن به ولایت کابل، محکوم به شش ماه زندان شده است.

نهادهای مدافع رسانه‌ها و خبرنگاران می‌گویند که نجیب‌الله مسافر در جریان جلسات دادگاه حضور نداشته است.

قیس نجیبی فرزند نجیب‌الله مسافر... ادامه صفحه ۷

کمک‌ها در پنجشیر مدیریت شود

نزدیک به ۳۰۰ تن در برف کوچ‌های اخیر جان باختند

هارون مجیدی



این فعالان تصریح می‌کنند که در این ولسوالی‌ها احتمالاً ۱۰۵۰۰۰ هزار تن زنده‌گی می‌کنند که از این میان ۲۰ هزار تن در ولسوالی پریان و... ادامه صفحه ۷

مناطق دیگر کمک کردند. شماری از فعالین مدنی روز شنبه در یک نشست خبری در کابل، از مسولان دولتی خواستند که از کمک‌ها به آسیب دیده‌گان پنجشیر نظارت دقیق کرده تا این کمک‌ها حیثیت و میل نشود. این فعالان مدنی هم‌چنان گفتند به‌خاطر آمدن سیلاب‌های احتمالی و نزدیک بودن فصل بهار و بارش باران‌های موسمی، عمق فاجعه در آینده، بیشتر از این خواهد بود. این فعالان از دولت می‌خواهند تا از تمامی نهادهای داخلی و خارجی به ویژه نیروهای ناتو و ائتلاف کمک خواسته تا عملیات نجات سرعت یابد. فعالان مدنی می‌گویند، در حال حاضر ولسوالی پریان، حصة اول، دره، مرکز و آبشار با خطر جدی روبروست.

معاون رییس‌جمهور گفته است که بر بنیاد ارقام به دست آمده، ۲۸۵ تن در ولایت پنجشیر و برخی از ولایت‌های دیگر، در برف کوچ‌های اخیر جان باخته‌اند. اما مسولان در ولایت پنجشیر به روزنامه ماندگار گفته‌اند که احتمال می‌رود تا فردا (امروز) اجساد دیگری نیز از زیر آوار بیرون کشیده شوند. سرور دانش معاون رییس‌جمهور در یک نشست خبری گفت که آنان از تمام امکانات دست‌داشته برای کمک به قربانیان استفاده خواهند کرد. در این حال، در کنار شماری از نهادهای داخلی و بین‌المللی، نهادهای مدنی- اجتماعی و شهروندان از سراسر کشور، ضمن غم‌شریکی، با قربانیان برف‌کوچ در ولایت پنجشیر و

رییس خدایداد اعدام شد



در ماه سپتمبر سال گذشته میلادی، امنیت ملی افغانستان اعلام کرد که در عملیاتی «بزرگ و ویژه» که ۳۶ ساعت طول کشیده بود، سردسته خطرناکترین باند تبهکار به نام رییس خدایداد را با دو نفر از همراهانش دستگیر کرده است. رییس خدایداد قبل از بازداشت در ولایت‌های مختلف افغانستان با هویت‌های مختلف رفت و آمد می‌کرد و هم‌زمان پاسپورت جعلی چند کشور دیگر را نیز داشت. یافته‌های امنیت ملی افغانستان نشان می‌دهد که رییس خدایداد همچنین در کشورهای تاجیکستان، پاکستان و امارات متحده عربی در رفت و آمد بوده و در فهرست سیاه پولیس تاجیکستان و «مجرمان بزرگ تحت پیگرد پولیس بین‌المللی» قرار داشت.

ریاست امنیت ملی تایید کرد که سیدالله معروف به رییس خدایداد، رییس یک باند تبهکار ساعت ۱۱:۳۰ روز شنبه در کابل اعدام شده است. رییس خدایداد از سوی امنیت ملی افغانستان سردسته خطرناکترین باند تبهکار خوانده شده بود. پولیس بیش از ده سال در پی دستگیری رییس خدایداد بود و بالاخره در سپتمبر سال گذشته دستگیر شد. در خبرنامه امنیت ملی آمده که براساس حکم محکمه ابتدایی مورخ ۲۴ جدی ۱۳۹۳ رییس خدایداد به جرم سرقت‌های مسلحانه همراه با قتل، ربودن اتباع داخلی و خارجی و ارتکاب قتل عمد چندین نفر به اشد مجازات (اعدام) محکوم شده بود. امنیت ملی تاکید کرده که حکم محکمه ابتدایی توسط محکمه استیناف / تمیز به تاریخ ۱۴ دلو ۱۳۹۳ تایید و بتاريخ ۲۷ دلو حکم اعدام او توسط رییس جمهوری افغانستان امضا شد. دیروز رییس خدایداد در زندان پلچرخ کابل در حضور نماینده‌گان دادستانی، مسولان زندان، وکیل مدافع او و براساس قانون جزاء افغانستان اعدام شد. رییس خدایداد متولد سال ۱۳۵۱ ولسوالی تنی ولایت خوست بود. یک تن از همکاران رییس خدایداد را به ۲۰ سال زندان و ۳ تن دیگر از آنها را هر کدام به هفت سال زندان محکوم کرده است.

غنی و عبدالله چهارم حمل میزبان کاخ سفید هستند



رییس‌جمهور و رییس دولت اجرایی افغانستان به دعوت امریکا ۲۴ مارچ به کاخ سفید می‌روند و این در حالی است که اشرف غنی پذیرفته که در نشست مشترک کنگره سخنرانی کند. به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، سخنرانی اشرف غنی، رییس‌جمهوری افغانستان در کنگره قرار است در شرایطی انجام شود که واشنگتن در حال بررسی احتمال کاهش سرعت خروج نیروهای امریکایی از این کشور است. کاخ سفید روز جمعه اعلام کرد... ادامه صفحه ۷

در برگ‌ها



چه‌گونه رشته‌های سال پیش‌مان پنبه شدند؟



اندیشه‌های سیاسی در میان مسلمانان



تبارشناسی جریان‌های فکری رایج در جهان اسلام



پوتین و شایعاتی که تمامی ندارد!

علی پارسا

جه‌گونه رتننه‌ها سار بیترمان بینه نند؟



حکومت نوآسیس را هموارتر کرد. به این معنا که در موارد اختلاف نظر و زمان کشمکش میان این دو تیم در حکومت واحد وحدت ملی، ناخودآگاه میان مشروعیت حقوقی و مشروعیت سیاسی خط کشیده می‌شد؛ شکل دادن به ساختار ریاست اجرایی طی یک فرمان تقنینی، بدون شک بدعتی بود که از سر ناچاری در حکومت وحدت ملی صورت گرفت. در حالی که پرسش مشروعیت حقوقی در برابر آن از همان آغاز شکل‌گیری همچنان مطرح بوده و هست. به این ترتیب، بخشی از این حکومت با بحران مشروعیت حقوقی مواجه است. در حالی که بر کرسی ریاست جمهوری نشستن دکتر اشرف غنی، بدون یک انتخابات شفاف و بر اساس یک توافق سیاسی هم پرسش مشروعیت سیاسی را برمی‌تابد. به این معنا که این بخش از نظام هم با بحران مشروعیت سیاسی دست‌وپنجه نرم می‌کند. در نتیجه باید پذیرفت که حکومت وحدت ملی هرچند به نحوی کوشید تا بحران مشروعیت را دور بزند و با جمع هر دو تیم برای خود مشروعیت بخرد، اما با دامن زدن / خوردن نزاع‌های میان‌تیمی، نه تنها مسأله مشروعیت حل نمی‌شود، که در قالب دو بحران مشروعیت سیاسی و مشروعیت حقوقی عرض اندام می‌کند.

با تأکید به این مسأله باید اقرار کرد که حکومت وحدت ملی کنونی بیش از هر حکومت دیگری در افغانستان از توان تبدیل فرصت‌ها به چالش‌ها و یا برعکس آن (تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها) برخوردار است. اگر مشروعیت هر رژیم را پس از روی کار آمدن آن، یک روند مستمر و زمان‌بر بدانیم، تنها سران حکومت وحدت ملی‌اند که می‌توانند میزان مشروعیت خود را از طریق عمل‌کردهای خود تعیین کنند. همگرایی و هماهنگی سران این حکومت و به حداقل رساندن اختلافات درونی میان بازیگران عمده آن، ابزار است برای تقویت میزان مشروعیت آن در نگاه مردم؛ در حالی که جنجال و کشمکش در آن، حاصلی جز به دام بحران مشروعیت افتادن، نخواهد داشت.

انتخابات گذشته با تمام پستی‌ها و بلندی‌هایش، هرچند افغانستان را به کام آتش یک جنگ داخلی نینداخت، اما حکومتی با پایه‌های متزلزل به وجود آورد. این حکومت علی‌رغم این‌که خود توان اثرگذاری بر ضریب مشروعیتش را دارد، با این وجود سر برآوردن آن از دل یک انتخابات مهندسی‌شده و پُر از تقلب، بزرگ‌ترین نقطه ضعف آن بوده که تا ابدالابد چون داغی بر پیشانی آن باقی می‌ماند. حالا این حکومت خود بر مقام تعیین‌کننده‌گی انتخابات‌های پسین قرار دارد. حکومتی که خود از داغ یک انتخابات سرشار از تقلب رنج می‌برد، بدون شک بیش از هر چیز بر نقش خود در قبال حکومت‌های بعدی واقف است. پس امید می‌رود که با پند گرفتن از گذشته، با شفاف کردن روندهای انتخاباتی آینده، قدمی عمده در راه مشروعیت‌بخشی خود و انتخابات‌های آینده بردارد؛ هرچند که تا کنون چنین عزمی دیده نشده است!

با چالش‌های متعدد بسیاری از جمله بحران مشروعیت و بحران مشارکت، دست به گریبان بوده است.

مشروعیت در یک نظام دموکراتیک، برآمده از دل صندوق‌های شفاف رای مردم است. در انتخابات دور دوم اما چنین صندوق‌هایی در مقابل صندوق‌های «چاق» شده متقلبان، کمتر سرنوشت‌ساز شد و در نتیجه، پرسش مشروعیت حکومت را از همان زمان شمارش آرا و پیش از آن‌که نامی از میان آن رای‌ها بیرون شود، در مقابل مردم و دولت‌مردان قرار داد. واضح بود که مردم هر حکومتی را که از درون آن صندوق‌های سیاه بیرون می‌شد، برآمده از یک روند مهندسی‌شده و تقلب گسترده می‌دانستند و در نتیجه، در مشروعیت آن شک می‌کردند.

شکل‌گیری حکومت وحدت ملی در آن‌زمان برای عبور از بن‌بست انتخاباتی، بهترین گزینه در میان بدترین گزینه‌ها بود. هرچند دولت وحدت ملی به نوبه خود یکی از موثرترین و کاراترین روش‌های حکومت‌داری در کشورهای متکثر است، در افغانستان اما تنها به عنوان راه‌حلی مقطعی برای سرپوش گذاشتن به منازعه همه بر سر همه انتخابات بود.

به هر حال هرچه بود، پس از ماه‌ها بحث و جنجال و کشمکش، نطفه این حکومت بسته شد و حکومت وحدت ملی با حضور هر دو تیم پیش‌تاز انتخاباتی شکل گرفت. اشرف غنی احمدزی به عنوان رئیس‌جمهور حکومت وحدت ملی، حلف وفاداری یاد کرد و پس از آن، طی نخستین فرمان تقنینی‌اش، دکتر عبدالله به این ترتیب، تلاش شد تا بحران مشروعیت به‌نوعی دور زده شود و با جمع کردن هر دو تیم، حمایتی را که هر یک از دو تیم در روند طولانی‌مدت انتخاباتی کسب کرده بودند را به عنوان مشروعیت واحد حکومت وحدت ملی جمع کنند؛ تلاشی که در مواقع بسیاری پاسخ معکوس داد و زمینه تجزیه مشروعیت

تقریباً یک سال از دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری می‌گذرد. سال پیش، درست در همین ایام ۱۱ نامزد انتخاباتی در ولایات مختلف کشور سرگرم رقابت بر سر راه یافتن به ارگ بودند؛ تا این‌که در ۱۶ حمل سال جاری یعنی یک‌ماه کم از یک‌سال پیش، روز آزمون فرا رسید. میزان اشتراک مردم در انتخابات، وجدآور بود؛ در هر گوشه و کنار کشور سیل انبوهی از جمعیت، پیش از شروع روند رسمی انتخابات، پشت مراکز رای‌دهی صف کشیده بودند و با اشتراک بی‌نظیرشان، یادگاری در دل تاریخ پُرفراز و نشیب کشور به‌جا گذاشتند که برای جهانیان مثال‌زدنی بود. اما با این حال، این حضور گسترده با چالش‌های امنیتی و مدیریتی عدیده‌یی هم روبه‌رو بود؛ این چالش‌ها، از بریده شدن انگشتان رای‌دهنده‌گان و تهدیدات امنیتی بر جان اشتراک‌کننده‌گان تا کمبود اوراق مدیریتی روند، به عنوان نقاط ضعف عمده آن عنوان شدند. با وجود این، گویا همه به شکل نسبی از آن‌چه به انجام رسید، راضی بودند و مخالفت جدی‌یی در قبال مشروعیت روند به ظهور نرسید.

رفتن انتخابات به دور دوم اما برخلاف دور نخست نه تنها هیچ افتخاری بر افتخارات مردم و دولت‌مردان این سرزمین نیفزود، که تمام رشته‌ها را هم پنبه کرد. مهندسی انتخابات و تلاش برای سبوتاژ این روند مردمی، کشور را تا مرز یک بحران همه‌گیر و جنگ داخلی به پیش برد. با این اوصاف اما مداخله جامعه جهانی و ابرقدرت غرب در این روند در کنار خویش‌داری برخی از طرف‌های درگیر در انتخابات سبب شد که از روی ناچاری، حکومتی گلاویز با پرسش مشروعیت تحت عنوان حکومت و دولت وحدت ملی سر برآورد. به این ترتیب، حکومت وحدت ملی، فرزند ناخلف اقدامات نامشروع کمیسیون‌های انتخاباتی نامستقل شد که از همان آوان تولد

سخن‌ماندگار

چرا همه چیز

از چشم مردم پنهان است؟

بحث گفت‌وگوهای صلح در افغانستان با همه پنهان‌کاری‌هایی که دارد، خیلی مبهم و گیج‌کننده شده است. از شرط‌های منسوب به طالبان گرفته تا ادامه حملات انتحاری آنان، همه‌گی نشان می‌دهد که گفت‌وگو‌هایی به نام صلح وجود ندارد و نیز دانسته می‌شود که علاقه‌یی به ایجاد ثبات از جانب طالبان وجود ندارد و دولت هم برنامه منظمی را در این خصوص مطرح نکرده است.

به نظر می‌رسد که بحث گفت‌وگو با طالبان، حالا به یک مسأله غیرقابل فهم تبدیل شده است. انتظار می‌رفت که مداخله چین در این زمینه راهی را باز کند و فرصتی را مساعد سازد تا کارها شکل بگیرند؛ اما پیشرفت یا ادامه روند گفت‌وگوها به گونه خاموش و پوشیده، نگرانی‌هایی را برانگیخته است و ابهام‌های بیش از حد در مورد بحث گفت‌وگو با طالبان، باعث شده که حتا صاحب‌نظران و رسانه‌ها بسیار محتاطانه با این مسأله برخورد کنند.

البته در این تردیدی وجود ندارد که مردم افغانستان صلح‌جو هستند و آرزو دارند در کشورشان صلح تأمین گردد. مردم، قربانیان اصلی جنگ‌های چند دهه اخیر بوده و هستند و قدر و اهمیت صلح را به‌خوبی می‌دانند؛ صلح، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت افغانستان و آرامش دائمی مردم است و اما جنگ، بزرگ‌ترین دشمن دموکراسی، توسعه و رفاه اقتصادی در این کشور است و به همین پیمان، مردم انتظار دارند که هر حرکتی که به‌خاطر دستیابی به صلح صورت می‌گیرد، واضح و عیان به آن‌ها نمایانده شود.

اگر پاکستانی‌ها، انگلیسی‌ها، چینی‌ها، امریکایی‌ها و یا هر کشور دیگری بخواهد که روند صلح را خاموشانه مدیریت کنند، مسلماً راه به جایی نخواهند برد. از جانب دیگر، رهبران گروه طالبان نیز باید بدانند که اگر جرأت نکنند و خودشان را از حلقه بازی‌های پاکستان نجات ندهند و مستقلانه تصمیم بگیرند و وارد گفت‌وگوها نشوند، نمی‌توانند از برنامه صلح چیزی نصیب شوند. زیرا قرار است که پاکستان از آدرس طالبان و امارت آنان در همه گفت‌وگوها و مجالس سخن بگوید و در چنین صورتی، باید همه گفت‌وگوها با این کشور انجام شود که این خود آشکارا نشان می‌دهد که طرف گفت‌وگوهای افغانستان، دولت پاکستان است نه طالبان افغانی.

طالبان یکی از ساخته‌های استخبارات نظامی پاکستان در دهه ۱۹۹۰ میلادی بوده است و هنوز هم این گروه در کنترل پاکستان قرار دارد و بی‌اجازه پاکستان نمی‌تواند گام برداشته یا در موردی حرف بزند. از این رو، چه در قطر و چه در اسلام‌آباد، گفت‌وگوهای طالبان حول محور منافع پاکستان استوار است؛ ولی دولت افغانستان این نکته را کتمان می‌کند. در حالی که ما انتظار داریم دولت هر آن‌چه بر سر مذاکرات صلح آمده را روشن سازد و بگوید که گفت‌وگو با پاکستان است یا با طالبان؛ قراین به ما می‌گوید که دولت افغانستان با پاکستان طرف است. بنابراین شایسته است که طرف بودن پاکستان در گفت‌وگوهای صلح به گونه واضح از جانب آقای غنی عنوان شود تا هم مردم و هم جهان بدانند که مشکل افغانستان ریشه در کجا دارد. اکنون بار دیگر تجربه مذاکرات صلح دولت حامد کرزی روی میز است و آقای غنی، پا جای قدم‌های کرزی گذاشته و به دور باطل ادامه می‌دهد.

مسلماً آقای کرزی نتوانست در سیزده سال گذشته با این روش‌ها به جایی برسد و اگر دکتر غنی عزمی برای صلح دارد، باید با روش‌های نو و مطابق با وضعیت جدید به گونه شفاف به سوی رسیدن به صلح حرکت کند. مردم می‌خواهند بدانند که در این روزها پشت درهای بسته در مورد صلح افغانستان چه گفته می‌شود و چرا دولت تمایل به خاموشی و پنهان‌کاری دارد. دولت وحدت ملی باید به این خواسته برحق مردم پاسخ بگوید.

روزنامه دیلی میل

پوتین و شایعاتی که تمامی ندارد!



گمانه‌زنی درباره ازدواج دوم پوتین با ژیمناست سابق روسیه همچنان ادامه دارد و شایعاتی درباره فرزند مشترک رهبر روسیه از معشوقه وی به گوش می‌رسد که با سکوت ولادیمیر پوتین همراه شده است.

آیا معشوقه پوتین دلیل جراحی صورت ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه است؟ گفته می‌شود که این ژیمناست سابق المپیک که نصف سن رییس جمهوری روسیه را دارد، از او دست‌کم یک فرزند دارد و به بانوی اول مخفی روسیه بدل شده است.

به شدت گمان می‌رود که «آلینا کابایوا» معشوقه پوتین باشد. بر اساس اظهارات منابع مختلف، وی قطعاً مادر دست‌کم یکی از فرزندان پوتین است. مردم روسیه گمان می‌کنند که این زن ۳۱ ساله بانوی اول اعلام‌نشده کشورشان باشد. این سخنان درباره رهبر روسیه در حالی مطرح می‌شود که این زن به ندرت در ملاعام رویت می‌شود و هرگز هم دست در دست پوتین دیده نشده است. طبق گزارش منابع اطلاعاتی غرب، پوتین در سال ۲۰۱۰ جراحی صورت انجام داده است و چروک‌های پیشانی و زیر چشم خود را ترمیم کرده است. با این حال گمان می‌رود که آلینا نیز همانند بسیاری از چیزها در زندگی خصوصی پوتین، در سایه پنهان مانده است.

در واقع می‌توان گفت که رهبر ۶۲ ساله روسیه در زمانی که ناتو سر و صدای بسیاری را بر سر الحاق شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه به راه انداخته بود، به شدت تلاش می‌کرد تا درباره زندگی خصوصی خود سکوت اختیار کرده و با دقت تصویر عمومی از خود به عنوان یک قهرمان قدرتمند طراحی کند. روزنامه‌نگاران روسی مدعی هستند که گزارش مسائل امنیت ملی کشورشان به مراتب آسان‌تر از گزارش از زندگی خصوصی پوتین است و همانطور که در ادامه می‌بینیم، کسانی که از خودشان دل و جرات نشان می‌دهند، با عواقب آن مواجه می‌شوند. به عنوان مثال، هفته گذشته یک مستند تلویزیونی در آلمان به روی آنتن رفت که ادعاهای جسورانه‌ای را علیه رهبر روسیه مطرح کرد. طبق این مستند که با استناد به آرشو آژانس جاسوسی آلمان تهیه شده بود، پوتین در سال‌های اول زندگی مشترکش با «لیودمیلا»، مردی «زن‌باره» بود و دست بزن داشت. اطلاعات مذکور توسط زنی گزارش شده بود که در آن زمان مترجم پوتین بود. در این برنامه همچنین ذکر می‌شود که پوتین از پیر شدن می‌ترسد. بن جوده، یک بیوگرافی‌نویس است که می‌گوید، پوتین همچنان تلاش می‌کند که جوانی خود را حفظ کند و برای این کار در گذشته با ببرها و خرس‌های قطبی عکس می‌انداخت و با بالاتنه‌یی عریان در سبیری سوارکاری می‌کرد. پوتین پس از جلسات ورزشی، حمام گرم و سرد می‌گرفت تا هیکل ورزشکاری خود را حفظ کند.

کرملین را عهده‌دار شد. شایعات بسیاری وجود دارد که وی از پوتین دست‌کم یک فرزند دارد؛ با این حال وی در جنوری ۲۰۱۱ در جریان مصاحبه‌ای این مساله را رد کرد و گفت که پسر بچه کوچکی که با وی زندگی می‌کند، خواهرزاده‌اش است. با این حال نشانه‌هایی اخیراً دیده شده که نشان می‌دهد کابایوا جایگاه ویژه‌ای نزد پوتین دارد. این زن ۳۱ ساله در جریان المپیک زمستان در نهرجگاه سوچی مشعل المپیک را حمل کرد. چند ماه پیش از آن نیز تلویزیون دولتی روسیه مستندی را به مناسبت تولد سی سالگی وی پخش کرد و در حالی که هیچ پرسشگری به خود جرات نمی‌داد تا نام پوتین را ببرد، وی درباره مردی صحبت کرد که «عاشقش» است.

رهبر روسیه در دسامبر سال گذشته در مصاحبه‌ای گفت که وی با فردی که «عاشقش» است، رابطه دارد اما هنوز هم هیچ صحبت علنی‌ای در این باره مطرح نشده است. در بهار ۲۰۰۸ یک روزنامه روسی گزارش داد که پوتین به زودی از لیودمیلا جدا می‌شود و ازدواج دوم وی قریب‌الوقوع است. پس از آن صاحب روزنامه مجبور شد که روزنامه را تعطیل کند. با این وجود گمانه‌زنی‌ها همچنان ادامه یافت و در جولای ۲۰۰۸ روزنامه دیگری گزارش داد که کابایوا باردار است و به همین دلیل مدتی از کار کناره‌گیری کرده است. این گزارش پس از انتشار به سرعت از روی خروجی برداشته شد. طبق گزارش نیویورک پست، کابایوا در سال ۲۰۰۹ پسری از پوتین به دنیا آورد که نامش «دمیتری» است. یک دختر نیز در سال ۲۰۱۲ متولد شد و پس از آن پوتین جدایی خود را از لیودمیلا اعلام کرد. گمانه‌زنی درباره زندگی شخصی پوتین در حالی ادامه دارد که وی در این باره سکوت اختیار کرده است.

یک منبع اطلاعاتی غربی گزارش داد که پوتین در سال ۲۰۱۰ جراحی صورت انجام داده تا چین و چروک پیشانی و کبسه‌های چربی زیر چشم خود را ترمیم کند و پس از آن خود را برای ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۲ آماده کرد. چهره پوتین که در بیشتر مواقع حالتی ندارد، هم‌اکنون بیش از پیش به چهره‌یی یخ‌زده تبدیل شده و همین امر گمانه‌زنی‌ها درباره اینکه وی هوادار بوتاکس است، افزایش داده است.

پوتین پس از سه دهه زندگی مشترک با لیودمیلا داشتن دو دختر به ناگهان تصمیم به جدایی گرفت و ممکن است رفتارهای وی در رابطه با بهبود چهره‌اش به یافتن معشوقه‌ای با نصف سن خودش مرتبط باشد.

با اینکه پوتین در سال ۲۰۱۳ گفت که تصمیم به جدایی «به صورت مشترک» اتخاذ شده است، اما شواهد نشان می‌دهد که داستان درازی در پس طلاق دوستانه آنها وجود دارد. در سال‌های گذشته این گمانه‌زنی وجود داشت که طلاق ناگهانی پوتین برای این بود که افشاشگری‌های بیشتری که مربوط به رابطه وی با کابایوا بود، فاش نشود اما با این حال گذشت زمان نشان داد که وی همچنان در هاله‌ای از گمانه‌زنی به سر می‌برد و ممکن است که اصلاً چنین حدس‌هایی صحیح نباشد. آلینا کابایوا، متولد ۱۹۸۳ در تاشکند ازبکستان است و این همان سالی است که پوتین با لیودمیلا ازدواج کرد و سال‌هاست که در محافل سیاسی و روزنامه‌نگاری حرف و حدیث‌های بسیاری درباره رابطه پنهان وی با پوتین وجود دارد. کابایوا پس از بازنشستگی از ژیمناستیک در سال ۲۰۰۵ یکی از قانونگذاران حزب «روسیه متحد» شد اما به دلیل جوانی و بی‌تجربگی سال گذشته از این مقام کناره‌گیری کرد و ریاست یک گروه رسانه‌ای حامی

رهبران اخوان المسلمین مصر زیر تیغ دادگاه ۱۳ تن حبس ابد و چهارتن اعدام



دادگاه جنایی قاهره با برگزاری جلسه محاکمه رهبران اخوان المسلمین در پرونده قتل تظاهرکنندگان، محمد بدیع و ۱۲ تن دیگر از رهبران این گروه را به حبس ابد و چهار تن را به اعدام محکوم کرد.

به گزارش شبکه اسکای نیوز عربی، در این پرونده که به «دفتر ارشاد» مشهور است، محمد بدیع رهبر اخوان المسلمین، خیرت شاطر معاون وی و ۱۵ تن دیگر از رهبران اخوان المسلمین در جلسه امروز حضور داشتند.

براساس حکم صادر شده از سوی دادگاه، چهار تن از رهبران اخوان المسلمین به اعدام با چوبه دار محکوم شدند و برای ۱۳ تن باقی مانده از جمله محمد بدیع، حکم حبس ابد و توقیف دارایی‌ها صادر شد.

پرونده دفتر ارشاد به درگیری‌ها میان هواداران اخوان المسلمین و مخالفان دولت محمد مرسی در مقابل دفتر ارشاد اخوان المسلمین برمی‌گردد که طی آن چندین تن کشته شدند. رهبران اخوان به تحریک هواداران خود برای قتل مخالفان، تخریب اموال عمومی و ایجاد ناامنی در کشور متهم شدند. محمد بدیع پیشتر نیز به اتهام تحریک به قتل و اقدام علیه امنیت ملی به اعدام محکوم شده بود و پرونده‌های دیگری نیز هنوز علیه وی مطرح است.

رهبر کوریای شمالی خطاب به ارتش:

برای جنگ آماده باشید



رهبر کوریای شمالی از ارتش کشورش خواست برای جنگ با آمریکا و متحدانش آماده باشند. این تهدید در ادامه لفاظی‌ها و تهدیدهای پیونگ یانگ علیه آمریکا و کوریای جنوبی در آستانه برگزاری رزمایش مشترک این دو کشور صورت گرفته است. به گزارش خبرگزاری رویترز، کوریای شمالی مکرراً علیه این رزمایش مشترک میان واشنگتن و سئول اعتراض کرده و خبرگزاری رسمی این کشور در بیانیه‌ای به نقل از مقاله منتشر شده در روزنامه رودونگ سینمون که متعلق به حزب کارگر کوریای شمالی است، گزارش داد: اگر رزمایشی که هدفش آغاز جنگ علیه کوریای شمالی انجام شود، پیونگ یانگ دست به جنگی بی‌رحمانه علیه آمریکا می‌زند.

آژانس خبری کوریای شمالی به نقل از کیم جونگ اون، رهبر این کشور گزارش داد: در شرایط کنونی و در حالی که جنگ علیه اتحاد ملی ما بسیار نزدیک است لازم است که واحدهای ارتش خلق کوریای تبدیل به نیروهای گارد کارآموده شده و برای جنگ سیاسی و ایدئولوژیک با شیوه‌های نظامی و اخلاقی آماده باشند.

رهبر کوریای شمالی از ارتش خواسته است برای نابود کردن خطوط و ستاره‌ها (اشاره به پرچم آمریکا) آموزش‌های لازم را ببینند.

در همین حال لایحه‌ای برای مقابله با تهدیدهای کوریای شمالی در راستای اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه این کشور آسیایی در کنگره ارائه شد.

وندی شرمین معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور سیاسی در سخنرانی که توسط اندیشکده کارنگی مستقر در واشنگتن ترتیب داده شده بود، گفت: فشارهای بین‌المللی علیه کوریای شمالی در حال افزایش است. پیونگ یانگ به شدت در حال منزوی شدن است.

این مقام مسئول دولت آمریکا ادامه داد: واشنگتن راه را برای مذاکرات با پیونگ یانگ باز گذاشته است اما آنها باید ابتدا مساله امنی خود را حل و فصل کنند.

تأکید دوباره اردوغان بر نیاز ترکیه به سیستم ریاست جمهوری

در آمریکا سیستم ریاست جمهوری مختلفی وجود دارد. زمانی که شما به سمت جنوب و مکزیکی می‌روید، با یک سیستم ریاست جمهوری دیگری برخورد می‌کنید. آرژانتین، کوبا، برزیل، روسیه و فرانسه نیز به همین گونه است.

اردوغان اولین رییس‌جمهور ترکیه است که با آرای مستقیم مردم انتخاب شد و مرتباً وعده می‌دهد که اختیاراتی بیش از روسای جمهور سابق در اختیار بگیرد.

همین امر موجب شده تا منتقدان وی را متهم کنند که برخلاف قانون اساسی قدرت را شکل دهد و سیستم ریاست جمهوری برقرار کند.

اوایل هفته گذشته اردوغان گفت که دومین نشست کابینه را به عنوان رئیس کشور در نهم مارس برگزار می‌کند و همین امر نشان می‌دهد که وی با جدیت برای گرفتن قدرت بیشتر تلاش می‌کند.



ریس جمهوری ترکیه در جمع فرمانداران ۸۱ ولایت گفت: می‌گویند که تشکیل یک سیستم ریاست جمهوری به سبک ترکیه غیرممکن است. من به آنها واضح و روشن می‌گویم که این کار شدنی است. این کار خیلی ساده است. چراکه نه؟

رئیس جمهوری ترکیه با تأکید بر اینکه ایجاد سیستم ریاست جمهوری به سبک ترکیه احتمالی و ضروری است، گفت که این نوع سیستم در کشورهای مختلف به لحاظ شکل تفاوت دارد. به نوشته روزنامه حریت، رجب طیب اردوغان،

بخش چهارم و پایانی

چه گونه آرامش خود را

در محیط کار

حفظ کنیم؟



معصومه اسدی

خسومت و کینه نیز یکی دیگر از پیامدهایی است که افراد هنگام احساس سرافکنده‌گی و تحقیر شدن در کار تجربه می‌کنند. اگر با افراد با احترام و اعتماد برخورد نشود و کار آن‌ها ارزشمند تلقی نشود، عزت نفس آن‌ها تهدید شده و به این ترتیب، آن‌ها از محیط کار احساس بی‌زاری می‌کنند و به دنبال آن، ممکن است حتی دست به اعمال خراب‌کارانه‌ی مانند دزدی یا کارشکنی نیز بزنند.

اصول زیر را به خاطر بسپارید:

هر توبی را نگیرید. مجبور نیستید هر توبی که به سمت زمین شما پرتاب می‌شود را بگیرید. برای مثال، اگر مشغول کار هستید و همکاران شروع به گلابه کردن از مادرش می‌کنند، خیلی راحت بگویید واقعاً نمی‌دانم چه پیشنهادی کنم. دنبال مشکل وی نروید، چرا که دچار احساس فشار روحی یا رنجش خاطر می‌شوید و از برنامه‌های‌تان عقب می‌مانید. در محیط کار، خود را وارد هر ماجرای نکنید. فقط هنگامی توب را بگیرید که مربوط به شما و نوبت از آن شماست.

داشتن آرامش، لازمه‌اش آن است که حدود خود را بشناسیم و سعی کنیم مسوولیت‌های خود را پی‌گیری کنیم.

فکران را کنترل کنید. آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که وقتی گرفتار فکرتان هستید، چه قدر احساس نگرانی می‌کنید و برای برطرف کردن آن، هر چه بیشتر در جزئیات چیزی که شما را نگران می‌کند فرو می‌روید، حالتان بدتر می‌شود. یک فکر به فکر دیگر منجر می‌شود و باز به فکری دیگر تا این‌که به جایی می‌رسید که فوق‌العاده ناراحت می‌شوید. ممکن است شما آدم پُرکاری باشید، اما یادتان باشد اگر سر خود را با این افکار که چه قدر گرفتار هستید پُر کنید، تنها خود را وادار می‌کنید که فشار روحی بیشتر را احساس کنید و مشکل را نیز وخیم‌تر می‌سازید.

در زمان حال زنده‌گی کنید. اندازه‌گیری آرامش ذهن ما تا حد زیادی با مقدار زمانی که ما می‌توانیم در لحظه حاضر زنده‌گی کنیم، مشخص می‌شود. بدون توجه به این که دیروز یا سال گذشته چه اتفاقی افتاده است. در حقیقت برای هیچ کس تضمینی نیست که فردا این‌جا خواهد بود. «حال» تنها زمانی است که داریم و تنها زمانی است که می‌توانیم روی آن کنترل داشته باشیم. وقتی توجه ما به زمان حال است، ترس را از ذهن‌مان دور می‌کنیم. ترس و نگرانی درباره حوادثی است که امکان دارد در آینده روی دهند؛ مثلاً پول کافی نخواهیم داشت، فرزندان‌مان دچار مشکل خواهند شد، پیر می‌شویم و خواهیم مرد و چیزهای دیگر. تمرین کنید توجه‌تان در این‌جا و در زمان حال باشد. تا هم آرامش بیشتری داشته باشید و هم تلاش‌های‌تان بهره بیشتری داشته باشد.

بخش سی‌وهشتم

اندیشه‌های

سیاسی

در میان مسلمانان



عبد الحفیظ منصور

قرضاوی (۱۹۲۶-اکنون)

یوسف قرضاوی در غرب مصر متولد شد. در دو ساله‌گی پدر خود را از دست داد. در ۱۹۵۲م از دانشکده اصول‌الدین به درجه لیسانس فارغ گردید و در سال ۱۹۷۲ دکترا گرفت.

او در نوجوانی به جنبش اخوان‌المسلمین گرایش پیدا کرد، به‌خاطر فعالیت‌های سیاسی‌اش بارها به زندان رفت و سرانجام از زادگاهش رانده شد. اکنون در قطر زنده‌گی می‌کند و به کار تدریس و تبلیغ مصروف می‌باشد. قرضاوی در حال حاضر، ریاست علمای اهل سنت جهان اسلام را به عهد دارد. از وی بیش از ۸۰ عنوان کتاب به نشر رسیده است. قرضاوی خود را «سلفی جدید» می‌نامد و از مقام یک مجتهد اظهار نظر می‌کند. دیدگاه‌های اسلامی او در «فقه سیاسی» گرد آمده است.

اندیشه سیاسی

قرضاوی به پیروی از ابن تیمیه، امامت را در میان مسلمانان از وجایب دینی می‌شمارد (قرضاوی، ۱۳۸۱: ۳۲). او میان دین و اسلام هیچ تفکیکی قابل نمی‌باشد. قرضاوی سکولاریست‌ها را «مذعیان به

خداوند متعال و فرمان‌روایان و قیصرها تقسیم شود؛ بلکه قیصر و کسری و همه فرمان‌روایان دیگر باید بر بنده‌گی خداوند متعال اصرار بورزند؟» (قرضاوی، ۱۳۸۱: ۴۲)

او در جایی دیگر، درباره پیوسته‌گی دین با سیاست می‌گوید:

«شما را به خدا، برادران به من بگویید؛ اگر اسلام پدیده‌ی غیر سیاسی و غیر اقتصادی‌ست و کاری به کار مسایل اجتماعی و فرهنگی ندارد، پس این اسلام چه‌گونه چیزی است؟ آیا به‌جز همین چند رکعت نماز خالی از خشوع و معنویت و اوراد و اذکار - که به قول رابعه عدویه، «استغفاری که خود نیازمند به استغفار است» - چیزی از آن باقی می‌ماند؟» (همان، ۴۴)

به باور یوسف قرضاوی، حکومت در اسلام، حکومت مدنی است، نه حکومت دینی به‌وسیله «پدران روحانی». او در تفاوت میان حکومت اسلامی و حکومت دینی می‌نویسد:

حکومت مدنی، حکومت تابع قانون شرع است، در حالی که حکومت دینی آن‌گونه که در سده‌های میانه در اروپا بود، پدران



روحانی خود به قانون‌سازی می‌پرداختند و هرچه می‌خواستند به عنوان قانون فرمان می‌دادند.

تفاوت دومی این‌که، امام معصوم نبوده (همان، ۵۵) و جایز الخطاست و فوق بازخواست نیست (همان، ۵۸)، در مقابل در حکومت دینی، امام از معصومیت

اسلام می‌خواند. او در رد سخنان آن‌هایی که اسلام را به «اسلام سیاسی» و «اسلام غیر سیاسی» تقسیم می‌کنند، می‌نویسد: «... ما چه کار کنیم، اسلامی که خداوند آن را فرستاده، سیاست بخش جدایی‌ناپذیر از آن است؟... تکلیف ما چیست، اسلامی که پیامبر آن را آورده است، اجازه نمی‌دهد که زنده‌گی و استعداد‌های انسان میان

برخوردار می‌باشد و مردم باید بدون چون و چرا به دستورهای او گوش فرا نهند. تفاوت دیگری که قرضاوی در میان حکومت اسلامی (مدنی) و حکومت دینی عنوان می‌کند، مسأله مشروعیت است، به گونه‌ی که در حکومت دینی یا تئوکراسی، زمام‌دار خود را نایب خدا در زمین می‌داند و مشروعیت خود را از آن‌جا می‌گیرد (همان، ۵۵). ولی در حکومت اسلامی این مردم است که با «بیعت» و «شوری» بر اساس دو اصل تخصص و تقوا، زمام‌داران خویش را برمی‌گزینند (همان، ۵۲-۵۱) و التزام به قوانین شریعت است که به حکومت اسلامی مشروعیت می‌بخشد. (همان، ۵۷)

قرضاوی به تأیید از محمد عبده می‌گوید: معرفت قرآن و آشنایی با احکامش، خاص کسی نیست و هیچ‌کس حتا ولی امر مسلمانان نمی‌تواند مدعی باشد که او نیکوتر از دیگران احکام قرآن را درمی‌یابد، بلکه همه در یک ردیف قرار دارند و تنها اندیشه پاک‌تر، معیار برتری میان آن‌هاست. (همان، ۱۱۶)

یوسف قرضاوی برای امام مسلمین داشتن قدرت «اجتهاد» را شرط می‌شمارد، جز در موارد غیر عادی و ضروری (همان، ۵۳). او در آرزوی احیای خلافت اسلامی است و به باور او، می‌تواند این امر با طی مراحل از یک کشور آغاز گردد و با ایجاد نظام فدرالی یا کنفدرالی، حکومتی قوی و فراگیر میان کشورهای اسلامی تاسیس گردد و در رأس آن، خلیفه یا امام مسلمانان قرار داشته باشد. او معتقد است، این بدان معنی نیست که از سرزمین‌های اسلامی نامسلمانان بیرون شوند؛ بلکه بسنده است آن‌ها به احکام و قوانین اسلامی احترام بگذارند. (همان، ۵۵)

دموکراسی از نظر قرضاوی یک روش کامل نیست؛ از این‌رو تا دستیابی به طریقه بهتر از آن، به منظور تحقق عدالت، شورا و احترام به حقوق و آزادی‌های انسان، آن را می‌پذیرد (همان، ۱۷۵). او هرچند روح اسلام را با دموکراسی سازگار می‌داند (همان، ۱۶۵) اما نواقصی در دموکراسی غرب می‌بیند که عبارت‌اند از: ۱. تشویق ملی‌گرایی؛ ۲. حد و مرز نداشتن شورا در دموکراسی غربی (همان، ۶۲-۶۱). قرضاوی با استناد به وقایع صدر اسلام، به ارجح بودن «رای اکثریت» نظر می‌دهد (همان، ۱۸۵-۱۴۸) و فیصله‌های شورا را الزامی می‌داند. (همان، ۱۹۰)

قرضاوی از رهگذر سیاسی مانند لیبرال‌ها، از برابری قانونی در حکومت اسلامی حرف می‌زند (ص ۸۰). آزادی‌های دینی را برای غیرمسلمانان محترم می‌شمارد (همان، ۸۳). آزادی اندیشه و آزادی بیان را در صدر قرار می‌دهد و آن را از تعرض مصون می‌داند (همان، ۸۴) و برای حضور نماینده‌گانی از گروه‌های نامسلمان در پارلمان کشورهای اسلامی مانعی نمی‌بیند (همان، ۳۲۳).

نویسنده: اسامه القاضي
برگرداننده به فارسی: مهران موحد

بخش نخست

نگارنده به خوبی می‌داند که ایجاد مرزبندی‌های دقیق در خصوص مسایلی که جنبه معرفتی دارد، خیلی دشوار است؛ چرا که نظر به تداخل و به هم درشده‌گی‌یی که در اندیشه‌ها و منظومه‌های معرفت‌شناسانه وجود دارد، خط‌کشی‌های دقیق میان این منظومه‌های معرفت‌شناسانه به طوری که امکان جداسازی جریانی فکری از جریان فکری دیگر وجود داشته باشد، محال و ناممکن است و این درهم‌تنیده‌گی باعث می‌شود که ما نتوانیم مطالعاتی بر اساس کمیت و مقدار صورت دهیم تا تصویری ملموس از اشغال قلمرو جریانی توسط جریانی دیگر به دست داده شود. این قاعده همه جریانات فکری در جهان از جمله جریانات فکری فعال در جهان اسلام را شامل می‌شود. با وجود این همه دشواری‌ها، بسیاری از اندیشه‌ورزان به جرأت گام در این مسیر دشوار نهاده‌اند. البته هیچ‌کس نمی‌تواند تقسیم‌بندی فلان اندیشه‌ور را نسبت به تقسیم‌بندی بهمان اندیشه‌ورز ترجیح نهد و تقسیم‌بندی مورد پسند خود را کاملاً بی‌عیب و نقص بداند. بیشترین این تلاش‌ها در پی آن است که تصویری روشن و بهتر از قلمروهای معرفتی موجود در جهان اسلام ارائه کند تا زمینه را برای دست‌یابی به درکی ژرف‌تر از این قلمروها فراهم کند و راه‌کارهای موثرتر در برخورد با این جریانات در اختیار ما بگذارد. مثلاً، متفکر مغربی/مراکشی، محمد عابد الجابری، این جریانات را به سه قسم تقسیم کرده: بیانی، برهانی، عرفانی. نیز اندیشمند بحرینی، جابر انصاری، آن‌ها را در سه صنف خلاصه کرده: سلفی، توفیقی، رفضی. به جز این دو متفکر، بسیاری از متفکران دیگر هم از این قبیل تقسیم‌بندی‌ها به دست داده‌اند. در همین‌جا صاحب این سطور این نکته را مورد تأکید قرار دهم که این گفتار از کسانی سخن می‌زند که به مسأله فرهنگی اهمیت قابل‌اند و خود را به میل و رغبت خود به خویش‌تن تمدنی منسوب می‌کنند و دغدغه تمدنی دارند. لزومی نمی‌بینم که در این‌جا از آثانی سخن برانم که عنایتی به خویش‌تن تمدنی خود ندارند و ذهن‌شان درگیر مقوله «نسبت ما و دیگران» نیست.

اساس این پژوهش بر این استوار است که همه جریاناتی که جغرافیای معرفتی را در جهان اسلام بر پایه ساختار ارزشی مخصوص به خود، میان خود تقسیم کرده‌اند، حتماً در زیر چتر یکی از این جریانات فکری داخل‌اند که البته هر کدام از این جریانات جریانات فرعی دیگری را با خود پدک می‌کشد که شمار آن‌ها تا دوازده جریان می‌رسد. نقاط اختلاف این جریانات یا برخاسته از ابزارهای معرفتی‌شان است یا ابزارهایی که با آن‌ها می‌خواهند در جامعه دگرگونی پدید آورند یا در شیوه‌هایی که برای دعوت به کار می‌گیرند یا در درجه فهم و درک و برداشت آنان از راه‌حل‌ها یا در نوعیت قرائت آنان یا در شیوه تعامل آنان با دیگران و یا در چه‌گونه‌گی تعامل آنان با واقعیت‌های موجود.

۱- جریان خوارجی / جریان نفی دیگران

این جریان تلاش می‌کند دیگری را از میدان بیرون کند، خواه این دیگری در داخل چارچوب معرفتی اسلامی قرار داشته باشد یا در بیرون از آن قلمرو. خوارج از نظر تاریخی به شکل فرقه‌یی سیاسی در دهه چهارم سده یکم هجری پس از شورش‌شان برضد علی - کرم‌الله وجهه - بعد از این‌که علی حکمیت را در مورد قضیه خلافت که سرانجام به معاویه رسید پذیرفت، ظهور کرد. این فرقه از همان زمان، فهمی بیمارگونه و ظاهرگرا از اسلام را ترویج می‌کند و خشونت و حذف فیزیکی را پیشه خود ساخته است. ولی بعداً نام «خوارج» بر هر کسی که روش خروج مسلحانه برضد زمامداران و تکفیر آنان را برگزیده‌است، اطلاق می‌شود.

بنده هر ذهنیتی را که آلوده به پیش‌داوری و تعصب باشد و مخالفان را نادیده بگیرد و حتاً به ناروا در صدد تصفیه فیزیکی مخالفان برآید و دیگران را به زور و اجبار به پذیرش دیدگاه‌های خود وادار سازد، ذهنیتی خوارجی می‌شمارم. روش‌هایی را که این جریان برمی‌گزیند، روش‌های خشن و انقلابی‌است و راه‌کار تغییر به دست را که «نیرومندترین ایمان‌است» برمی‌گزیند. مهم‌ترین ویژگی دعوت هواداران این جریان، دعوت صریح و مستقیم‌است، نه استفاده از شیوه‌های غیرمستقیم یا الگوسازی برای جذب پیرو.

از نظر این گروه، دروازه اجتهاد بسته شده به صورتی که هیچ امکان باز شدن آن نیست و نیز گذشتگان برای آیندگان چیزی برای اندیشیدن و گفتن باقی نگذاشته‌اند و تکلیف همه چیز را به پسنیان روشن کرده‌اند و نیازی نیست که دوباره ما عقل خود را به کارگیریم و گره مسائل حل‌شده را دوباره بگشاییم بلکه عقل ما باید در تصحیح عقاید امت بر طبق فهم سلف صالح به کار گرفته شود. اینان از دستاوردهای معرفتی تاریخی کمال رضایت را دارند. از این رو، طبیعی‌است که برداشت‌شان از دین، برداشتی مبتنی بر مرده‌ریگ بازمانده از پیشینیان‌است. جالب آن‌که اینان قرائت‌های دیگر را که مبتنی بر میراث گذشتگان‌است پذیرا نیستند. در نتیجه، برخوردی گزینشی نسبت به قرائت‌های تاریخی دارند و به طریق اولی نسبت به فرآورده‌های معرفتی در دوره معاصر.

نسبت به تعامل با واقعیت‌های موجود، موضع‌گیری این گروه در حالت نوسان قرار دارد. گاهی به خودانتقادی می‌پردازند و این احساس را در میان پیروان خود ترویج

می‌کنند که مسوولیت ناکامی‌های تاریخی امت اسلام را چه در گذشته و چه در حال بر دوش آن‌هاست و در پاره‌یی از اوقات به «خودکشی» رو می‌آورند و همه شیوه‌های رادیکال و انقلابی را برای ایجاد دگرگونی می‌آزمایند. مخالفان فکری خود را به لقب‌هایی همچون غرب‌زده و سکولار و معتزلی ملقب می‌سازند. البته معمولاً به این حد بسنده نمی‌کنند و به تکفیر مخالفان می‌پردازند. دشوارترین مسأله‌ای که هواداران این جریان با آن مواجه‌است، برخورد واقع‌گرایانه با واقعیت‌های موجود

به ما واگذار، ما شایسته‌تریم به تو از تو». در نتیجه روحیه انقلابی‌گری در نزد پیروان این جریان، تقریباً معدوم‌است. از نظر این‌ها استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز برای تغییر و حتاً دعا برای زمامدار مستبد به امید این‌که خدا هدایتش کند و به راه صوابش بازگرداند، کاری‌ست ستوده. دعوت برای تغییر و اصلاح در نزد این گروه با استفاده از شیوه‌های غیرمستقیم است و اگر گاهی مستقیم هم هست، توأم با موعظه آمیخته با لطف و مهربانی‌ست. از همین رو، انواع مختلف حکومت‌های استبدادی در جهان

تبارشناسی

جریان‌ها فکر رایج

در جهان اسلام

لایه‌های عمیق‌تر و جست‌وجوی عواملی که فرا راه امت اسلامی موانع ایجاد می‌کند و نمی‌گذارد امت از بحران‌هایی که به آن گرفتار است، رهایی یابد. رهبران این جریان تلاش می‌کنند به مرید پاک‌باز بفهمانند که راه ایجاد صلاح و دگرگونی در جهان، به‌کارگیری عوامل و اسبابی نیست که ملت‌های دیگر را به شاهراه ترقی و پیشرفت سوق داده، بلکه بر طبق آیه قرانی که می‌فرماید «خداوند هر گروه را از عطای خویش بهره‌مند می‌گرداند»، نعمت‌هایی که خداوند به ملت‌های دیگر عطا کرده از قبیل استدراج است. از این رو، مرید نباید شیفته زرق و برق دنیای مادی که دیگران با به کارگیری اسباب به آن‌ها دست یافته‌اند، شود یا هوش از سرش برود وقتی ببیند که دیگران تفاوت‌های محسوس و وحشتناکی در عرصه‌های کشاورزی و صنعتی و تمدنی از ملت‌های مسلمان دارند، زیرا بهشت بنده راستین خدا در قلبش است و این ظواهر چشم‌ربا و براق چیزی نیست جز حجتی برضد صاحبانش و تمرکز اصلی باید روی تربیت برای اصلاح دنیای معاصر شود. پیروان این جریان در پاسخ به این پرسش جلدی که چرا مسلمانان، عقب مانده‌اند و دیگران پیشرفت کرده‌اند، می‌گویند که علت عقب‌مانده‌گی مسلمانان، «رعایت نکردن ادب با خدا» است نه به کارنگرفتن اسباب پیشرفت در روی زمین. این در حالی‌ست که از نظر عقلی ممکن است که هم ادب با خدا حفظ شود و هم عمل به اسباب و سنت‌های الهی صورت بگیرد و ضرورتاً تناقضی میان این دو کار وجود ندارد و دلیلی هم ندارد که ما تناقض ساخته‌گی میان این دو ایجاد کنیم. واقعیت آن است که این رویکرد، باعث خواهد آمد که پیروان این جریان به جای این‌که به آبادانی دنیا بپردازند، به باطن‌گرایی روی بیاورند و عملاً زمینه را برای عقب‌نگه داشته شدن جامعه فراهم نگه دارند.

قرائت‌های متداول میان پیروان این جریان، قرائت‌هایی‌ست که مبتنی بر سنت گذشته‌گان است که پاره‌یی از این قرائت‌ها مریدان را به «تحلیه» تشویق می‌کنند و برخی دیگر به «تخلیه». کتاب‌های مورد اعتماد این جریان یا



کتاب‌هایی‌ست که تاریخی و باقی‌مانده از گذشته‌گان است و یا کتاب‌هایی‌ست که امروزه نوشته شده‌اند اما گذشته را با روحیه و ابزارهای معرفتی سنتی که کاملاً از زنده‌گی امروزی جدا و مجزا است، قرائت می‌کنند. به سخن دیگر، اگرچه این کتاب‌ها در روزگار کنونی نوشته شده‌اند، اما در واقع چاپ جدید کتاب‌های زرد اند.

ویژه‌گی کلی این جریان عبارت است از پناه گرفتن در پشت خویش‌تن تمدنی خویش و بسنده کردن به زلال تاریخ و کوشیدن برای نجات از آلوده‌گی روزگار معاصر که گناه و شر را با خود دارد و ایجاد جزیره‌های بریده از بقیه دنیا و به هیچ کار این جهان کاری نداشتن مگر در مورد تربیت و اصلاح مردمان گناه‌کار آن.

اگر هواداران این جریان بتوانند در پهلوی راه‌کارهای تربیتی برای تغییر و اصلاح، راه‌کارهای علمی اصلاح را نیز مد نظر قرار دهند و برای آمدن به میدان واقعی زندگی، آستین‌ها را بالا بزنند تا کاستی‌ها را از میان بردارند و کمبودها را رفع و رجوع کنند، دستاوردهای کلانی در زمینه خدمت به امت اسلامی حاصل خواهند کرد. بر زبان آوردن اذکار و اوراد با بهره‌گیری از اسباب منافاتی ندارد و نصوص صحیح که بحمدالله فراوان هم هستند - ما را از استناد به حدیث‌های ساخته‌گی و داستان‌های اولیا که ناراستی‌های زیادی در آن‌ها راه یافته و سند صحیحی هم ندارد، بی‌نیاز می‌سازد. اصول ثابت دین، ما را به تعامل سنجش‌گرانه و معقول با واقعیت‌های عینی فرا می‌خواند و عزیمت فرد مسلمان را تقویت می‌کند و او را به دست «جبری‌گری» نمی‌سپارد تا بی‌تحرکی را بر وی تحمیل کند و او را به انتظار مرگ بنشانند تا وقتی که فرد مؤمن به شکلی رمانتیک به افراد مقدس گذشته ملحق شود.

اسلام، طرفدار پرشمار شدن حلقه‌های ذکر و خانقاه‌ها و تکیه‌خانه‌ها هستند نه به این جهت که دوست‌دار آثانی‌اند که خود را در «محبت الهی» فنا کرده‌اند، بلکه از این رو که اهداف این گروه‌ها تنها منحصر در آخرت است و چون می‌خواهند با تحمل درد و شکنجه به پادشاه‌های اخروی برسند، آستانه تحمل و مدارای‌شان در برابر ستم و اجحاف زمامداران، بسیار بالاست.

دروازه اجتهاد در نزد این گروه یک‌سره بسته است یا منحصر است در آن‌چه که در گذشته گفته شده و به کارگیری عقل و طرح دیدگاه‌های نوین، مصداق بارز «بی‌ادبی»ست و قدغن است مگر این‌که حاشیه‌یی بر تفسیری باشد که از گذشته‌گان باقی مانده یا قرائتی باشد که عظمت و اهمیت اقوال پیشینیان را برملا بیفکند، بدون این‌که «کتاب‌های قدیمی منزه از نقد» را مورد نقادی و ارزیابی قرار دهد یا تحلیل نوی ارایه کند چه این‌که آن‌چه در گذشته گفته شده، قدسیت تاریخی یافته و در نتیجه برخوردار از کمال‌است و کاملاً بی‌عیب و نقص. کسی که امروزه به خوانش مرده‌ریگ فکری گذشته‌گان می‌پردازد، آلوده به گناهانی‌ست که ناشی از زنده‌گی کردنش در بیرون از چارچوب تاریخی مقدس - که تقریباً تهی از گناه بوده - می‌شود و به دلیل پرداختن به آن‌چه در حال حاضر اتفاق می‌افتد، به گناهان معاصر بودن آلوده شده و تقصیرش این‌است که در امروز می‌زید نه در عصر افراد مقدس و پاک از گناه.

احساس شدید به گنه‌کار بودن و احساس به دوری از کمالی که «سلف» به آن متصف بوده و احساس تقصیر در بنده‌گی خدا، در صدر اولویت‌های آگاهی در نزد این جریان است. برای این‌ها تحقیر و خوارداشت خویش‌تن، مقدم است بر شناخت و فهم خویش‌تن و کوشش برای فرو رفتن در

است. آن‌ها معمولاً در این‌گونه موارد از جهان گوشه‌گیری می‌کنند و الگوهای را پدید می‌آورند که سازگاری با زیست این جهانی ندارد و قابل پیروی نیست و از همین رو، آنان دور از همه جریانات فکری و تجدیدگرا در جهان زنده‌گی می‌کنند.

۲- جریان باطن‌گرا / صوفیانه:

این جریان، پایبند سنت‌هایی‌ست که کشف باطنی و گرایش‌های قلبی را بر آن‌چه از نظر نقل و عقل به اثبات رسیده، ترجیح می‌نهد. پیروان این جریان معتقدند که «آن‌چه برای قلب پذیرفتنی باشد» بر آن‌چه برای خرد پذیرفتنی‌است، مقدم‌است. در نزد این جریان، پیوسته مقایسه بین آن‌چه باطن آن را می‌پذیرد و بین آن‌چه عقل آن را پذیرا می‌شود صورت می‌گیرد. پیروان این جریان هرچند گاهی گرفتار شذوذ یا انحراف از شرع می‌شوند اما هیچ‌گاه احساس بی‌نیازی از پوشش شرعی دادن برای کارهای خود هرچند به صورت ناشیانه نمی‌کنند. آنان همه این کارها را برای خرسند نگه‌داشتن دل‌هایی که تشنه «محبت الهی» هستند انجام می‌دهند. برای این‌ها انجام دادن هر کاری و تحمل هر مشقتی آسان‌است به شرط این‌که «مرید» را در راه فنا شدن در ذات مقدس الهی یاری رساند.

ایجاد تحول در نهادهای سیاسی و اقتصادی و فلسفی، هدفی نیست که ارزش این را داشته باشد که طرفداران این جریان برای دست یافتن به آن تلاش کنند چرا که آنان خودی و خصلت انقلابی و تحول‌خواه ندارند. از نظر این جریان، بنده همین‌که بنده‌گی مطلوب را که عبارت‌است از فراوان خدا را یاد کردن و پیوسته پروردگار را عبادت کردن انجام دهد، به وضعیت ایده‌آل دست یافته‌است. مرید چاره‌یی ندارد جز این‌که به این شعار ایمان بیاورد که می‌گوید: «همه کارها را

یک اعتراف و یک یادداشت

احمدولی مسعود

«سفير صاحب، این همه جنجال از جانب شماست»

«دوسیه خود را بستم و به سرعت مجلس را ترک کردم»

طبق وعده خودتان، شما رییس خواهید بود و من یگانه معاونتان. در غیر این صورت، بحث ما و شما باید مجدداً بر سر نوع سیستم ریاستی و یا صدارتی آغاز شود.

آقای کرزی که چند دقیقه قبل از این بحث، با مشاورین خاص خود صحبت کرده بود، با نگرانی گفت: فهیم خان شما آرام باشید، من جور می‌کنم.

بعد نگاهش را به سمت من چرخاند و گفت: سفیر صاحب این همه جنجال از جانب شماست و این تعدیلات شماست که این گونه جنجال‌آفرین شده است. من قبل از آن که به لحن و گفته آقای کرزی اعتنایی نشان دهم، غرق در شگفتی بودم که چه طور می‌شود که همین طور بنشینم و در مقابل دیده‌گانم چانه‌زنی و بحث و معامله بر سر سرنوشت مردم را مشاهده کنم. این جا بحث بر سر یک وثیقه ملی نبود، بلکه هر کسی سعی داشت متاع ارزنده‌تری را از کوزه قدرت بیرون بکشد و آن را در تصاحب خود داشته باشد.

شاید چند دقیقه طول کشید تا از این حالت ناباوری بیرون آمدم و خشمگینانه گفتم: خیلی خوب جناب رییس صاحب، من بر اساس حس وطن‌دوستی و خاطرخواهی مردم و دلسوزی نسبت به آینده این کشور، بدون کوچک‌ترین چشم‌داشت و توقعی، بر سر تعدیلات اصرار داشتم، اما حالا که داستان دیگری را شنیده‌ام و رازهای پشت پرده را کشف کرده‌ام، باید بگویم که من کوتاه نمی‌آیم. شما هم بدانید که اگر در این کشور نیت خیری وجود نداشته باشد، به هیچ جایی نمی‌رسیم. مشکل آفرینی و جنجال‌برانگیزی از جانب من نیست، بلکه متن مسوده‌تان و مداخله‌گران و کسانی که تلاش داشته‌اند تا قانون را به قد و اندام خود بدوزند، دست اندرکاران اصلی این پروسه می‌باشند که چنین بحرانی را به وجود آورده‌اند. خیر باشد، در مورد تعدیلات پیشنهادی من نماینده‌گان لویه جرگه تصمیم خواهند گرفت.

دوسیه خود را بستم و به سرعت مجلس را ترک کردم و اصرار آقای شهرانی و آقای کاظمی و چند تن دیگر از اعضای شورا، نتوانست مانع رفتن من شود.

یک روز بعد، آقای قیوم کرزی با من در تماس شد و گفت که برادر وی حامد جان، آماده قبولی تعدیلات شده است. از من دعوت کرد که به ارگ بروم. علی‌رغم میل باطنی‌ام که حاضر نبودم یک بار دیگر به آنجا بروم، فقط به قصد آن که بتوانم در جهت تأمین منافع ملی کاری کرده باشم، پذیرفتم که به ارگ بروم. به محض ورود به آنجا، به جای ملاقات با آقای کرزی، دیدم که ملاقات دیگری برای من ترتیب شده است که می‌باید به جای گفت‌وگو با آقای کرزی، با سه تن از بزرگان که از رؤسای کمیسیون تدقیق قانون اساسی بودند، ملاقات می‌کردم. آقایان شهرانی، عبدالسلام عظیمی و موسی اشعری منتظر من بودند. وقتی بحث آغاز شد، آن‌ها با ملایمت و در کمال تمکین خاطر نشان کردند که تعدیلات پیشنهادی من مورد تأیید آن‌ها نیز می‌باشد، منتها به علت کمبود وقت نمی‌توانند آن‌ها را وارد مسوده نمایند و پیشنهاد کردند که بهتر است من این تعدیلات مهم و واقعاً حساس را (به گفته خودشان) در لویه جرگه مطرح نمایم و تأکید کردند که وارد شدن تعدیلات در مسوده، از صلاحیت آنان بالاتر است و باید از مقام مافوق دستور صادر شود!!

گفتم: با احترام فوق‌العاده‌یی که به شما بزرگان دارم، اما روی صحبت من با شماها نیست. فقط یک سوال دارم که امیدوارم صادقانه پاسخ آن را از شما بشنوم؛ آیا این مسوده فعلی کار کمیسیون است یا کسان دیگری؟!

این بزرگان با تردید و اکراه و نگرانی پاسخی دادند که می‌شد از آن‌ها حد اقل رد پای کسانی را پیدا کرد که مکرراً در جریان مسوده قانون اساسی مداخله داشته‌اند. مدت‌ها بعد در ملاقاتی که با آقای کرزی داشتیم، ایشان من را مخاطب قرار داده گفت: برادر، همه حرف‌ها و ادعاها و ملاحظات شما در مورد مداخلات در قانون اساسی کشور درست بوده‌اند. متأسفانه تعدادی از وزیرصاحبان ما در این مداخلات دست داشته‌اند. این موضوع را به صورت جدی به آنان گوشزد کردم و آنان پوزش خواستند.

مانده بودم که در مقابل این به اصطلاح عامیانه «خبینه» بعد از عید چه عکس‌العملی نشان دهم. اگرچه از سیاست‌های لحظه‌یی مسوولین دولتی، می‌شد چنین پیامدهایی را پیش‌بینی کرد که حتا برای تیره نمودن خویش، هر یک، دیگری را قربانی می‌ساخت.

قانونی هم عضو همین شورا بوده و تا حالا بر سر مسایل توافق داشته است، حالا هیچ حق ندارد که موضوعات جدیدی را بحث کند. اگر می‌خواهد مخالف حکومت باشد، بحثی نیست، برود و مخالف باشد.

من که داشتم به شدت حیرت‌زده می‌شدم، گفتم: جناب رییس صاحب، اگر بر سر هر نوع توافقی، چنین مسوده‌یی بیرون آمده است، برای من قابل پذیرش نیست. من تا امروز از جریان چنین توافقاتی که شما اشاره به آن‌ها می‌کنید، اطلاعی ندارم و برای من این امر تأسف‌آور است. اگر در شورای امنیت ملی، حتا حضوری موقتی هم دارم، بالاخره برادرم تمام عمر خود را به خاطر سرفرازی این ملت سپری نمود. امروز خودش حضور ندارد، فکر، اندیشه و خواست او همچنان پابرجاست. آیا من حتا حق پیشنهاد خواست و آرزوهای مردی را که برای مدت سی سال در امر دفاع از این سرزمین مبارزه کرد را ندارم. مطمئن باشید که مردم هم از چنین توافقات پشت پرده‌یی، به شدت ناراضی هستند. امروز

نماینده فقط بر سر تعیین و گماشتن یک نفر به عنوان رییس لویه جرگه قانون اساسی صحبت شد که آن‌هم قرع‌اش به نام جناب صبغت‌الله مجددی افتاد و این مسوولیت به ایشان واگذار گردید.

زمان می‌گذشت و فقط ده روز دیگر تا برگزاری لویه جرگه قانون اساسی فرصت باقی مانده بود و آقای کرزی همواره اطمینان می‌داد.

به دوستان خود هم تأکید می‌کردم که با مسأله قانون اساسی با تسامح برخورد نکنند و با استفاده از نفوذشان در مورد، جدی‌تر باشند. نتیجه این شد که آقای دکتر صاحب عبدالله، با حضور در شورای امنیت ملی، تأیید کند که باید یک سری تعدیلات در متن مسوده صورت گیرد و آقای قانونی صاحب هم که بعد از رایه تعدیلات عازم سفر بود، قبل از رفتن اشاراتی در مورد صلاحیت‌های صدر اعظم داشت.

شش روز دیگر به آغاز و افتتاح لویه جرگه قانون اساسی مانده بود که شورای امنیت ملی، تشکیل جلسه داد. با



به نماینده‌گی از مردمی که با آن‌ها در تماس هستم و با ارزش‌گذاری به آرمان شهدای این کشور، وجدان و منطق این اجازه را به من نمی‌دهد که سکوت کنم و به صراحت خدمت‌تان عرض می‌کنم که من همچنان روی تعدیلات اصرار دارم.

آقای کرزی در پاسخ گفت: شما اگر تعدیلات می‌خواهید، اما برادران دیگر هم تعدیلات می‌خواهند، مثلاً آقای کریم خلیلی می‌خواهند که معاونیت دوم هم در قانون اساسی علاوه گردد. گفتم: اما هر گونه تعدیلی باید به کمیسیون قانون اساسی راجع گردد تا تصمیم نهایی صورت گیرد. اگر کمیسیون معاونیت دوم را لازم ببیند، من هم اعتراضی ندارم.

در همین اثنا، آقای مارشال صاحب فهیم، فوراً رشته سخن را به دست گرفت و با اعتراض و جدیت به آقای کرزی گفت: رییس صاحب اگر موضوع معاونیت دوم مطرح باشد که از همین حالا قرار ما فسخ خواهد شد.

حضور در آن جلسه، خیلی جدی خواستار اعلان تصمیم نهایی شورا شدم. به آقای کرزی گفتم: ما به اساس توافق شخص شما و تفاهم جمعی، تعدیلات قانون اساسی را تنظیم کردیم و شما همچنان سکوت کرده اید، در حالی که چند روز بعد لویه جرگه افتتاح می‌شود و هنوز خیلی از مسایل در پرده ابهام است.

آقای کرزی، با خون‌سردی کامل و سیمای حق‌به‌جانب چنین پاسخ داد: اولاً باید بگویم که تمام اعضای شورای امنیت ملی با این مسوده قانون اساسی توافق جمعی داشته‌اند. برادرانی که امروز می‌خواهند تعدیلاتی را وارد نمایند، به خاطر داشته باشند که مدت یک سال از جریان کار کمیسیون تدقیق قانون اساسی می‌گذرد، همه در جریان چه‌گونه‌گی کار بوده‌اند و یک تعداد از اعضای کمیسیون هم با معرفی همین برادران، انتخاب شده‌اند، حالا اگر نظرشان عوض شده، به خودشان ارتباط دارد. در مقابل شگفت‌زده‌گی من، آقای کرزی ادامه داد: آقای

آقای حامد کرزی در مصاحبه با تلویزیون آلمانی «دی پی آر» تحت عنوان «اشتباهات زیادی را مرتکب شدیم»، به گونه اجمالی و به قول خود ایشان، از «پشیمانی» خود در قسمت تدوین قانون اساسی سخن گفته‌اند: «ما وقتی قانون اساسی را می‌ساختیم، باید بیشتر ملاحظه شرایط افغانستان را می‌کردیم؛ اعتراف نیکمی که به خیر افغانستان است و از آن باید استقبال کرد. اما در جهت ترمیم و تعمیم این اشتباهات، بهتر است جناب ایشان توضیح بیشتر دهند تا هم رفع مسوولیت شود و هم در لویه جرگه پیش رو به گونه بهتر به اصلاحات قانون اساسی پرداخته شود.

بالتوبه بنده نیز لازم می‌بینم تا از خلال یادداشت‌های خود زیر عنوان «هزار راه نرفته»، به هرچه روشن‌سازی حقیقت این «پشیمانی‌ها» پردازم و از ایشان (آقای حامد کرزی) صمیمانه می‌طلبم تا با مروری بر این یادداشت‌ها و با تصحیح و تکمیل آن، کمک کنند تا نسل امروز و آینده را در مسیر درست سرنوشت‌شان قرار بدهیم.

گرچه طی سالیان قبل، از این یادداشت‌ها در مراحل مختلف و در جهت آگاهی‌دهی به مردم استفاده نموده‌ام، اما ضرورت است تا این بار و در این مرحله حساس، به گونه منظم و از طریق رسانه‌ها به آگاهی مردم رسانیده شود تا باشد با عبرت از گذشته، از اشتباهات آینده جلوگیری گردد.

پس از انتشار مسوده قانون اساسی، باید تعدیلاتی در آن صورت می‌گرفت. من پس از گفت‌وگو با سران جبهه متحد و عده کثیری از روشن‌فکران و نماینده‌گان ولایات مختلف، طرحی را برای آقای کرزی رایه کردم. تمام این تعدیلات در برجسته‌تر کردن نقش مردم در تعیین سرنوشت‌شان، نظارت بیشتر و مستقیم‌تر از روند فعالیت‌های دولت، هماهنگی بیشتر بین گروه‌ها و اقوام مختلف و نکات سازنده دیگری بود که در جایش به رایه آن می‌پردازم. به صراحت می‌گویم که شورای امنیت ملی دولت در مجموع و آقای کرزی در مقام رییس دولت انتقالی، مستقیماً روند کار و تصمیمات کمیسیون تدقیق و تسوید قانون اساسی را دنبال می‌کردند و مسوده پس از تأیید ایشان نشر شد. پس مخاطب این‌جا معلوم بود که چه کسی باید تعدیلات را بپذیرد، قبل از آن‌که اعتراض جریانات مختلف نسبت به محتوای مسوده شدت بگیرد و مردم نسبت به اعتمادی که به دولت داشته‌اند، دچار شکاکیت شوند و دیگر شور و شوقی برای حضور در این صحنه سرنوشت‌ساز نداشته باشند و به هرگونه امیدی بی‌اعتنا گردند.

کسی که شایسته‌گی تصدی بلندترین مقام حکومت را دارد، باید از سوء انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های بدعاقبت پرهیز کند. سیاست، یک نوع فعالیت است که می‌تواند به سهولت بلغزد و در ورطه خشونت و شرارت بیفتد. مردم به دولت اعتماد دارند، به دولت امید بسته‌اند و همین امیدشان است که محرک‌شان در بذل مساعی برای نیل دولت به اهداف آن است.

به آقای کرزی پیشنهاد کردم برای این‌که به عنوان یک مسوول اجازه ندهد که در کشور بی‌نظمی و تفرقه به‌وجود آید، باید مسوده تعدیل‌شده را در اختیار مردم بگذارد. این طوری هم فضای اعتماد بازسازی می‌شود و هم لویه جرگه تصویب قانون اساسی، تسریع می‌یابد و هم حمایت و طرف‌داری و جانب‌داری دولت را به عنوان مرجعی که مسوولیت پاسداری از حقوق حقه‌شان را دارد، و به همین منظور مشغول انجام وظیفه است، تثبیت نماید.

پس از انتشار مسوده قانون اساسی، باید تعدیلاتی در آن صورت می‌گرفت. بعد از مشورت‌ها و رای‌زنی‌های مستمر با سایر نیروهای سیاسی، با اصرار زیاد من، بالاخره آقای کرزی متقاعد شد که کمیسیونی را تشکیل دهد که در قسمت تعدیلات کارکنند. این کمیسیون متشکل از چهار نفر بود: آقای کریم خلیلی، آقای اشرف غنی، آقای قانونی و من.

ما هم متعاقباً در دو سه نشست، در مورد تعدیلات به تفاهم رسیدیم، و آن را در حضور شورای امنیت ملی، به آقای کرزی تحویل دادیم.

پس از آن در چند جلسه دیگری که از سوی شورای امنیت ملی دولت برگزار شد، شرکت کردم؛ اما جز صحبت‌های پراکنده و تقریباً بی‌ربط به موضوع، هیچ بحث جدی صورت نمی‌گرفت. اصلاً مسوولین پی هم تلاش داشتند تا از اصل موضوع طفره برونند و وقت تلفی

کمک‌ها در پنجشیر...

۱۰ هزار در ولسوالی آبشار با خطرات جدی مواجه هستند. در جریان هفته گذشته ۱۹ ولایت افغانستان شاهد برف‌باری‌های شدید بود که برف‌کوچ‌های پیهم را نیز در قبال داشت. این برف‌کوچ‌ها تنها در پنجشیر بیشتر از ۲۰۰ تن قربانی گرفت.

احمدشاه ستانکزی فعال مدنی در این نشست خبری گفت: «امروز این فاجعه در پنجشیر اتفاق افتاده و دور نیست که این حادثه در تخار، پکتیا، ننگرهار و... اتفاق بیفتد؛ پس دست به دست هم داده، قسمی که در حادثه ارگو به نیازمندان کمک شد، برای پنجشیریان نیز کمک کنیم».

آقای ستانکزی هم‌چنان گفت: در برف‌کوچ‌های پنجشیر شمار زیادی از باشندگان این ولایت خانه‌های مسکونی خود را از دست داده‌اند و دولت باید برای آنان خانه‌های امن بسازد تا از فاجعه‌های بعدی جلوگیری شود.

آقای ستانکزی از مسوولان خواست تا از تکرار ناهنجاری‌ها در کمک‌رسانی به باشندگان ارگو در ولایت بدخشان، جلوگیری کرده و کمک‌ها را به گونه درست به نیازمندان آن برسانند.

او گفت: زمانی که در ارگو بدخشان رانش زمین شد، کمک‌های زیادی از طرف نهادهای مختلف به این ولایت سرازیر گردید و دولت برای باشندگان ارگو وعده توزیع زمین را کرد که با گذشت زمان، برای آن آسیب دیده‌گان نه زمین داده شد و نه هم کمک‌ها به آنان رسید.

احمد ذکی یکی دیگر از فعالان مدنی در این نشست خبری گفت: «از روزی که برف‌کوچ‌ها در پنجشیر آمده، نهادهای دولتی و مسوولان بلندپایه تا به مرکز پنجشیر رفته‌اند و یا از طریق چرخ‌بال‌ها از ساحات دیدن کرده‌اند، درحالی‌که باشندگان این ساحات نیاز دارند تا راه‌ها باز شود و آنان گیرمانده‌گان را نجات دهند».

آقای ذکی افزود: باشندگان اصلی مناطق آسیب‌دیده با قبول خطرهای جدی شماری از قربانیان را نجات داده‌اند؛ اما از بسیاری نقاط هیچ خبری نیست و کسانی هستند که یک چشم شان به طرف کوه است تا برف‌کوچ نیاید و چشم دیگر شان منتظر نجات است.

غنی و عبدالله چهارم حمل...

که اشرف غنی به همراه عبدالله عبدالله رییس اجرایی دولت افغانستان ۲۴ مارچ که مصادف به چهارم حمل سال ۹۴ خورشیدی می‌شود، به امریکا سفر می‌کنند.

این اولین بار است که رهبران افغانستان از زمان تشکیل دولت وحدت ملی برای تعیین جانشین حامد کرزی که در سال آخر ریاست‌جمهوری‌اش رابطه تیره‌یی با امریکا داشت، به واشنگتن سفر می‌کنند.

جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید گفت که در جریان ضیافت نهار رهبران افغانستان درباره مسائل امنیتی،

این فعال مدنی هشدار می‌دهد که برف‌کوچ‌های موسمی در پنجشیر بعد از این شروع می‌شود؛ اگر باز برف یا باران ببارد، برف‌های دیگر نیز رانش خواهد کرد که این مورد زنده‌گی مردم را در پنجشیر تهدید می‌کند.

رحیم جامی یکی دیگر از فعالان مدنی در این نشست خبری گفت: «احتمال می‌رود در مناطقی که برف‌کوچ آمده در چند ماه آینده برف کوچ‌ها در همین مناطق و ولایات دیگر نیز بیاید؛ اداره مبارزه با حوادث که به سه یا چهار ولایت خدمت‌رسانی کرده نمی‌تواند، در این صورت چه کاری خواهد کرد».

آقای جامی تأکید کرد: نسبت مسدود بودن راه‌ها، نبود آذوقه، آب آشامیدنی، مواد سوختی و باران‌های موسمی، احتمال فاجعه‌های بعدی نیز متصور است.

این فعال مدنی با بیان این‌که موسسات جهانی نباید به فاجعه سطحی نگاه کنند، از دولت می‌خواهد که از ناتو و نیروهای ایتلاف بخواهد تا وارد عملیات نجات شده و وسایل تخنیکی و حمایتی خود را در اختیار تیم نجات قرار دهند.

او گفت: ما از دولت افغانستان می‌خواهیم که از کشورها و نهادهایی که امکانات نجات و خدمت‌رسانی به این مردم را دارند، درخواست کمک کنند تا مردم نجات یابند.

این فعالان در اخیر این نشست با پخش اعلامیه مطبوعاتی گفتند، در صورت بی‌توجهی، ولایت پنجشیر به دلیل داشتن جغرافیای پیچیده و وسعت بیش از حد شاهد فاجعه انسانی خواهد بود.

در این اعلامیه آمده است، دولت باید تمام امکانات تخنیکی خویش را به صورت تخصصی به مصرف برساند تا راه‌های رفت و آمد در مناطق آسیب دیده باز شود؛ عملیات نجات سرعت یابد، تیم‌های صحتی هر عاجل فرستاده شد و مردمی که در خطر احتمالی قرار دارند، از خانه‌های شان بیرون کشیده شده و به نقاط امن انتقال داده شوند.

نجات یافتگان

در عین حال، خبرها از ولایت پنجشیر می‌رسانند که شش تن در ولسوالی پریان پنجشیر بعد از چهار روز از زیر آوار برف زنده بیرون کشیده شده‌اند.

توسعه اقتصادی و تلاش‌های سازش میان طالبان و دولت افغانستان گفت‌وگو خواهند کرد.

اشرف غنی همچنین قرار است با جان کری، وزیر امور خارجه امریکا در استراحتگاه ریاست‌جمهوری کمپ دیوید در مرلیند دیدار کند. اشرف غنی ۲۵ مارچ در کنگره امریکا سخنرانی می‌کند.

جان بوئر، رییس مجلس نماینده‌گان امریکا که از اشرف غنی برای سخنرانی دعوت کرده است، گفت: افغانستان یکی از مهمترین دوستان و متحد امریکا است. این سخنرانی فرصت مهمی است که امریکایی‌ها بشنوند که چطور رییس‌جمهور تازه منتخب افغانستان

این افراد در منطقه «کلکوا»ی ولسوالی پریان از چهار روز به این سو زیر برف بودند. به گفته جنرال باز محمد از متنفذین محل، مردم دو جسد را نیز از زیر آورها دیروز بیرون کشده‌اند. منبع به روزنامه ماندگار گفت، احتمال می‌رود اجساد دیگری نیز در این منطقه زیر آوار باشد.

به گفته منبع، پیشتر در روستای «کلکوا» از مرگ چهارتن گزارش شده بود؛ اما با بیرون کردن دو جسد و زنده بیرون شدن شش نفر دیگر به نظر می‌رسد که اجساد زیادی در این منطقه زیر آورها مانده باشند.

او گفت که هیچ خبری از کمک‌ها در این روستا نیست و مردم محل به تهایی و با مشکلات زیاد در جست‌وجوی افراد گم شده‌اند.

در حین حال، تعداد بیست جسد از زیر برف‌کوچ در منطقه تل پریان بیرون کشیده است.

در این منطقه، ۸۷ جسد از چهار روز به این سو در زیر برف گیرمانده بودند که باشندگان محل به تازه‌گی توانسته تا به این منطقه بروند و به کمک و طن‌داران خود برسند.

هم‌چنان، نصیر احمد یکی باشندگان ولسوالی پریان که از برف‌کوچ‌ها نجات یافته و خود را به کابل رسانده است، به روزنامه ماندگار می‌گوید که خودش شاهد دفن دست‌جمعی شمار زیادی از باشندگان این ولسوالی بوده است.

او می‌گوید که مردم نیازمند کمک‌های زیاد اند و اگر این کمک‌ها به آنان رسانده نشود، از بین می‌روند.

او با شکایت از مسوولان دولتی می‌گوید: دو روزی که من در این برف‌کوچ‌ها گیر مانده بودم، هیچ‌گونه کمکی برای مان صورت نگرفت؛ چرخ‌بال‌ها تنها مقدار غذا آوردند و آن را جاهایی پرتاب کردند که مردم توان رفتن به آن‌جا را نداشتند و کسانی که این مواد را انتقال می‌داد در بدل آن از مردم ۲۰۰ افغانی پول طلب می‌کردند.

تا کنون دوصد تن در پنجشیر کشته شده‌اند و اجساد نزدیک به پنجاه تن آن بیرون کشیده شده‌اند. تنها در قریه تل ولسوالی پریان ۸۷ نفر زیر آورا مانده‌اند. بعد از ولسوالی پریان، بیشترین تلفات در دره عبدالله خیل روی داده است.

می‌خواهد همکاری‌ها را برای ارتقای اهداف مشترک ادامه دهد و تاکید و تعهد دوباره مردم امریکا برای مردم افغانستان محسوب می‌شود.

گمان نمی‌رود که دعوت بوئر از اشرف غنی همانند دعوت بوئر از بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی جنجالی شود.

بوئر جمهوری‌خواه بدون رایزنی با کاخ سفید و یا رهبران دموکرات کنگره نتانیاهو را دعوت کرده است تا در کنگره سخنرانی کند و برخی از دموکرات‌ها برنامه‌یی ترتیب داده‌اند تا در جلسه سخنرانی نباشند.

نجیب‌الله مسافر فوراً...

می‌گوید: «استاد مسافر در سال ۱۳۸۵ در یک مراسم ورزشی در استدیوم غازی عکس دخترانی را گرفته بود که توپ‌های رسامی شده باسکتبال را به عنوان نماد ورزشی منتقل می‌کردند و به دنبال آن مسافر دو قطعه از این عکس‌ها را به شرکت تبلیغاتی «پروکشن هفتم» فروخت. بعد، این شرکت با دست‌کاری در عکس‌های اصلی، به جای توپ‌های باسکتبال، لوگوی شرکت اتصالات را چسبانده و منتشر کرده است».

گفته شده است که خانواده‌های این دختران پس از پخش عکس‌های یادشده با لوگوی شرکت اتصالات، شکایت کردند.

قیس نجیبی می‌گوید: مدعیان این دعوا به تاریخ ۲۸ دلو سال ۱۳۸۶ به استاد مسافر برائت داده‌اند و از دعوی‌شان منصرف شده‌اند. با این وجود، این دعوا دوباره پس از ۷ سال توسط نهادهای عدلی و قضایی پی‌گیری و در نتیجه مسافر در یک محاکمه ناعادلانه به شش ماه زندان محکوم شده است.

فهییم دشتی، رییس اجرایی‌یی اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان به روزنامه ماندگار در پیوند به بازداشت مسافر گفت: عکاس عکس گرفتن حرفه‌اش است؛ وقتی کسی حاضر می‌شود در ملاء عام و در یک مراسمی حضور یابد، گرفتن عکس آن حق عکاس است. مسافر زنده‌گی شخصی کسی را عکس نگرفته است.

آقای دشتی می‌گوید که از این عکس استفاده نامشروع نشده و هیچ صدمه‌یی به شخصیت کسانی که در این عکس هستند، نرسیده است.

رییس اجرایی‌یی اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان از نهادهای عدلی و قضایی می‌خواهد که هر چه عاجل این عکاس را از بند رها کنند.

در عین حال، عبدالمجیب خلوتگر رییس اجرایی‌یی شبکه حمایت از رسانه‌های آزاد یا نی می‌گوید: پروسه بررسی پرونده جناب مسافر غیر قانونی بوده؛ چون آقای مسافر در جریان جلسات حضور نداشته است.

آقای خلوتگر از رییس‌جمهور می‌خواهد که حکم بازنگری پرونده نجیب‌الله مسافر را صادر کند تا باشد از اجرای حکم غیر قانونی جلوگیری شود.

نجیب‌الله مسافر تا حال چندین جایزه را از نهادهای داخلی و خارجی به دست آورده و در کنار ریاست نهاد فوتو ژورنالیسم چشم سوم، در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه کابل به صفت استاد ایفای وظیفه می‌کند.

هارون مجیدی



مقایسه جالب فرگوسن و مورینیو توسط پل اسکولز



هافبک پیشین منچستر یونایتد دست به مقایسه جالبی بین فرگوسن و مورینیو زده است.

پل اسکولز در ستونی در نشریه ایندپندنت به مقایسه الکس فرگوسن و ژوزه مورینیو پرداخته است. او بر این باور است که فرگوسن خیلی راحت می‌توانسته داوران را تحت تأثیر قرار دهد اما مورینیو در انجام این کار ناموفق بوده است. جنجال‌های اخیر که مورینیو با صحبت در مورد داوران به وجود آورده موجب شد تا سرمربی پرتغالی جلسی با جریمه نقدی از سوی اتحادیه فوتبال انگلیس رو به رو شود. او چندی پیش و پس از تساوی یک بر یک تیمش مقابل برنلی در استمفوردبریج اعلام کرد کمپینی در انگلیس علیه جلسی وجود دارد و اجازه نمی‌دهد این تیم نتیجه بگیرد.

از فرگوسن اما به عنوان یکی از مربیانی که همواره می‌توانست روی تصمیم‌های داوران تأثیرگذار باشد یاد می‌شود. فرگوسن حتی پیش از بازنشستگی‌اش اعلام کرده بود با کارهایی که انجام می‌داده، عمدا داوران را تحت فشار می‌گذاشته

است. اکنون اسکولز بر این باور است که مورینیو به هیچ وجه نمی‌تواند کاری که فرگوسن سال‌ها در انجام آن موفق بوده را تکرار کند. وی در این باره اظهار داشت: موفق‌ترین و بزرگترین مربی در فوتبال لیگ برتر انگلیس اکنون رفته و تعجبی هم ندارد که ژوزه مورینیو را در حال تلاش برای تحت تأثیر قرار دادن تصمیم‌های داوران ببینیم. او می‌خواهد داوران و اعضای اتحادیه فوتبال انگلیس را تحت تأثیر صحبت‌هایش قرار دهد. مشکل اصلی این است که تلاش برای انجام این کار برای مربی جلسی نتیجه‌ای در بر ندارد زیرا او در انجام آن موفق نمی‌شود. در واقع داوران تحت تأثیر صحبت‌های او قرار نمی‌گیرند. البته منظورم این نیست که داوران تصمیم‌های اشتباهی می‌گیرند بلکه آنها نمی‌خواهند کسی به آنها بگوید چه کار کنند.

اسکولز افزود: شکی در این نیست که فرگوسن با حرف‌هایش این توانایی را داشت که روی عملکرد چند داور تأثیر بگذارد. او در کنفرانس‌های مطبوعاتی که روزهای جمعه و پیش از بازی‌ها انجام می‌داد، خیلی راحت روی داوران بازی تأثیر می‌گذاشت. برای مثال باید بگویم داوران بسیاری وقتی خطای کوچکی روی بازیکنی مانند کریستیانو رونالدو انجام می‌شد، آن را پناهی می‌گرفتند. این اتفاق‌ها هم با جنجال همراه نبود و در نهایت آرامش رخ می‌داد. چطور می‌توانم در مورد تأثیر الکس فرگوسن روی داوران حرف بزنم؟ شاید برخی از داوران می‌خواستند آنطور که فرگوسن دوست دارد رفتار کنند. البته نمی‌خواهم بگویم داوران همه تصمیم‌هایشان به سود منچستریونایتد بود، بلکه منظورم این است آنها سعی می‌کردند در بازی‌های ما هیچ اشتباهی انجام ندهند. وقتی آنها به اولدترافورد می‌آمدند، تلاش می‌کردند با بالاترین میزان آمادگی قضاوت کرده و همه تصمیم‌هایشان درست باشد. ما به عنوان بازیکنان منچستریونایتد از کسی انتظار نداشتیم به ما کمک کند. می‌دانستیم که بسیاری از تصمیم‌ها در طول بازی ممکن است به ضرر ما نیز باشد. باور داشتیم که تیم برتر هستیم و داوران هم قضاوت بدون اشتباهی را خواهند داشت. همین موضوع موجب می‌شد ما اکثر بازی‌هایمان را با پیروزی پشت سر بگذاریم.

بارسلونا زنده‌گی من است



بوسکتس:

هافبک آبی-اناری ها از این که قراردادش را با این باشگاه تمدید کرده، بسیار خوشحال است و تاکید کرد که می خواهد با پیراهن بارسلونا از دنیای فوتبال خداحافظی کند؛ چرا که بارسلونا زندگی اوست.

سرخپو بوسکتس قرارداد خود را با بارسا تا جون ۲۰۱۹ تمدید کرد تا به شایعه های جدایی خود از آبی-اناری ها پایان دهد.

منچسترسیتی و پاری سن ژرمن دو مشتری جدی بوسکتس بودند و قصد داشتند تا این هافبک را با رقم بالایی جذب کنند اما بارسلونا خیلی سریع دست به کار شد و قرارداد بوسکتس را تمدید کرد؛ چرا که خطر را به شدت احساس می کرد.

بوسکتس محصول آکادمی لاماسیا است و ترجیح داد تا در بارسلونا هم به فوتبال خود ادامه دهد. این هافبک ۲۶ ساله درباره این سوال که چرا قرارداد خود را با آبی-اناری ها تمدید کرد این گونه پاسخ داد: من حالا تنها ۲۶ سال سن دارم و این نشان می دهد که کارهای زیادی برای انجام دارم. می توانم سال های سال برای بارسلونا بازی کنم. امیدوارم که آسیب دیدگی به من اجازه دهد تا برای بارسلونا بپوسته به میدان بروم و هر آن چه را در توان دارم رو کنم.

ناحیه نوری

کمک‌های بی‌حساب جامعه جهانی در ۱۳ سال گذشته فرصتی بود تا مردم افغانستان را از تکیه‌گری برق بی‌نیاز سازد.

شماری از نمایندگان مجلس و جامعه مدنی با بیان این مطلب می‌گویند که نبود تفکر ملی و فساد گسترده سبب شد تا مردم افغانستان همچنان گدای برق کشورهای همسایه باقی بمانند.

نبود برق در چند روز گذشته در کابل، انتقادهای شدید مردم و نمایندگان مجلس را در پی داشته است.

نمایندگان مردم در مجلس می‌گویند که با وجود کمک‌های فراوان جامعه جهانی در ۱۳ سال گذشته، هنوز هم افغانستان از ناحیه انرژی برق، خودکفا نشده است.

به گفته آن‌ها، پاکستان با ساختن بند برق در افغانستان مشکل ندارد؛ مشکل اساسی، نبود تفکر ملی برای ساختن زیربنای افغانستان می‌باشد، مانند اعمار بند برق.

آنها باور دارند که کشورهای همسایه در این خصوص، کدام ممانعتی ایجاد نمی‌کنند و اگر قرار باشد اراده‌ی وجود داشته باشد، هیچ کشوری نمی‌تواند مانع توسعه ما شود. چمن شاه اعتمادی عضو مجلس نمایندگان می‌گوید، کمک‌های فراوانی که در ۱۳ سال گذشته در افغانستان سرازیر شد، فرصتی بود برای اعمار حد اقل یک بند برق که متأسفانه از دست رفت.

او تأکید کرد، این کمک‌ها فرصتی بود تا ما را از تکیه‌گری برق بی‌نیاز سازد که متأسفانه به دلیل نبود تفکر ملی و فساد گسترده، از دست رفت و ما نتوانستیم حتی یک بند برق اعمار کنیم. اعتمادی با انتقاد از حکومت گفت، امروز با سرازیر شدن بهمین و افتادن چند پایه برق در سالنگ، تمامی کابل در تاریکی فرورفته؛ در حالی که طی ۱۳ سال گذشته می‌شد حد اقل کشور خود را از ناحیه داشتن برق بی‌نیاز سازیم.

این عضو مجلس با رد این ادعاها که ایران و پاکستان مانع اعمار بند برق در افغانستان شده است، گفت: متأسفانه اراده سیاسی برای ساخت زیربنای افغانستان نهایت ضعیف بوده و کشورهای همسایه هم بهانه خوبی برای این ادعا می‌باشد.

او تأکید کرد، اگر اراده سیاسی برای ساخت زیربنای چین اعمار بند برق، وجود داشته باشد، هیچ کشوری مانع آن شده نمی‌تواند.

چرا صاحب برق نشدیم؟!



در همین حال، عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی می‌گوید، اختلافات و مشکلات داخلی ما به حدی زیاد است که با وجود داشتن آب فراوان نتوانستیم حتی بند برق نغلو یا کجکی را گسترش دهیم، چه رسد به اعمار بند برق جدید.

رفیعی افزود، متأسفانه بیشترین سرمایه و انرژی رهبران قومی، صرف اختلافات قومی و تخریب همدیگرشان می‌شود؛ بنابراین اعمارنشدن بند برق طی ۱۳ سال گذشته و با وجود کمک‌های بسیار فراوان اختلافات و مشکلات درونی ماست.

وی تأکید کرد، در افغانستان همه مسایل بر محور قوم می‌چرخد، تفکر ملی وجود ندارد؛ بنابراین تا زمان نبود یک تفکر ملی نباید انتظار داشت که روی چنین برنامه‌ها سرمایه‌گذاری صورت گیرد.

رییس مجتمع مدنی می‌گوید، وزارت آب و برق شاید روزانه بیش از میلیون‌ها دالر از مشترکین برق عاید دریافت کند؛ اما به دلیل نبود یک تفکر ملی، این پول‌ها به کشور تاجیکستان تحویل داده می‌شود.

او با انتقاد از حکومت می‌گوید، اگر این پول‌های میلیونی برای ساخت یک بند برق به مصرف برسد، بدون شک در آینده نزدیک در زمینه برق، خودکفا خواهیم شد؛ ولی به دلیل تفکر و دید قومی و نبود برنامه ملی، این پول‌ها همچنان به جیب کشورهای همسایه سرازیر می‌گردد.

او می‌گوید، پاکستان با ساختن بند برق کوچک، سلما یا دریای کابل هیچ مشکل ندارد؛ اما مشکل اساسی تفکر ملی برای ساختن زیربنای افغانستان مانند اعمار بند برق است.

ولایات کابل و پروان که از برق وارداتی از پاکستان استفاده می‌کنند، در این شب و روز در تاریکی به سر می‌برند. برف کوچک و توفان در ارتفاعات سالنگ‌ها سبب قطع برق شده و شرکت برشنا می‌گوید تا زمانی که بارنده‌گی‌ها قطع نشود، وصل دوباره لاین‌های برق ناممکن است.

افغانستان درحالی از کشورهای بیرونی برق خریداری می‌کند که دارای بیشترین منابع آبی بوده که برای ساختن بند برق مناسب است؛ اما به دلیل فساد و تبعیض در دورن حکومت بودجه هنگفت و سرسام آوری جهت خرید برق از کشورهای بیگانه به مصرف می‌رسد.

امریکا به قربانیان جنگ غرامت می‌پردازد



براساس گزارش منتشر شده در پایگاه خبری اینترپست، ارتش امریکا با هدف جلب حمایت مردم افغانستان و در بخشی از استراتژی مقابله با شبه‌نظامیان به خانواده قربانیان و مجروحان جنگ ۱۳ ساله افغانستان، غرامت پرداخت می‌کند.

به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، پایگاه خبری اینترپست گزارش داد: پرداخت غرامت به خانواده قربانیان و مجروحان در جریان جنگ ۱۳ ساله در این کشور در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید و خیلی زود به رویکرد به دست آوردن قلوب و اذهان مردم افغانستان و مقابله با شبه‌نظامی‌گری تبدیل شد.

این گزارش با نام «تسلیم ما: امریکا چگونه برای قربانیان و مجروحان افغان پول پرداخت می‌کند» بر مبنای شکایت هزاران مجروح و خانواده قربانیان تا پایان ۲۰۱۱ تهیه شده است.

براساس گزارش اینترپست که ارتش امریکا آن را منتشر کرده، از ۵۷۶۶۶ ادعا، به ۱۶۷۱ مورد در مجموع مبلغ ۳٫۱ میلیون دالر پرداخت شده است.

این پایگاه خبری همچنین گزارش داد: در حالی که این روند به نظر پیشنهادی منفعت‌طلبانه برای زندگی افراد است، سازمان‌های بشردوستانه از آن استقبال کرده‌اند.

پرداخت غرامت یک اقدام نمادین است و برای هر رخداد در افغانستان تا ۵۰۰۰۰ دالر پرداخت می‌شود و البته پرداخت مبالغ بالاتر باید مورد بررسی قرار گیرد و سپس تصویب شود.

پایگاه اینترپست به برخی موارد عجیب پرداخت غرامت اشاره دارد که یک مورد آن غرامت ۱۸۱ دالری به مردی است که در یک ماموریت ضربتی کشته شد و غرامت ۲۰ هزار دالری به دختر بچه پنج ساله‌ای که در پی برخورد با کاروان نیروهای امریکایی جان باخت.

بنا بر گزارش «پروژه هزینه جنگ» دانشگاه براون، تا ۲۰۱۴ دست‌کم ۲۱ هزار غیرنظامی در جریان جنگ امریکا در افغانستان کشته شدند.

سفیر امریکا در پاکستان:

امریکا سلاح‌های استفاده شده ناتو در افغانستان را به پاکستان می‌دهد



ثبات اقتصادی و نابودی فقر در این کشور را روی دست دارد.

اولسون همچنین اظهار داشت که سرمایه‌گذاران امریکایی بدنال فرصت‌های بیشتری برای سرمایه گذاری در پاکستان هستند.

از سو دیگر، خرم دستگیر وزیر بازرگانی فدرال پاکستان نیز گفت: تقویت روابط استراتژیک و اقتصادی بین پاکستان و امریکا از اهمیت زیادی برای اسلام‌آباد برخوردار است.

وی افزود: کنفرانس آینده تجاری اسلام‌آباد- واشنگتن از ۱۰ تا ۱۲ مارچ سال جاری در اسلام‌آباد برگزار خواهد شد.

وزیر بازرگانی فدرال پاکستان اظهارداشت: دولت پاکستان برنامه‌های جدی برای مبارزه با تروریسم،

سفیر امریکا در پاکستان به خبرنگاران گفت که مقامات واشنگتن قبل از این نیز تجهیزات نظامی در اختیار دولت اسلام‌آباد گذاشته بودند و در آینده نیز سلاح‌های استفاده شده ناتو در افغانستان را به پاکستان تحویل خواهند داد.

ریچارد اولسون سفیر امریکا در پاکستان به خبرنگاران در اسلام‌آباد گفت که ۱۰۰ شرکت امریکایی در کنفرانس تجاری این کشور با پاکستان شرکت خواهند کرد همچنین واشنگتن سلاح‌های استفاده شده ناتو در افغانستان را در اختیار دولت اسلام‌آباد قرار خواهد داد. وی افزود: امریکا در آینده نیز بیشتر سلاح‌های ناتو در افغانستان را به پاکستان تحویل خواهد کرد.

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$ 60	\$ 48	\$ 36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
3	بنا در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$ 70	\$ 56	\$ 42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$ 350	\$ 280	\$ 210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$ 100	\$ 80	\$ 60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200